

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ ق.

شادی های شیعه، ترجمه مسار الشیعه / تألیف شیخ
مفید به ترجمه عبدالهادی مسعودی.
۹۷۸ - ۹۶۴ - ۱۸۰ - ۰۷۶ - ۷

۱۰۷ ص.

۱. اعمال السنّه. الف. عنوان: مسار الشیعه.

ب. مسعودی، عبدالهادی / مترجم.

BP ۲۷۷ / ۴ م ۵۰۴۱ م ۷

شناسنامه کتاب

نام کتاب: شادیهای شیعه (ترجمه مسار الشیعه)

مؤلف: شیخ مفید

چاپ و نشر: عبد الهادی مسعودی

نوبت چاپ: زائر / آستانه مقدسه

تبراز: اول / تابستان ۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

شاپیک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۱۸۰ - ۰۷۶ - ۷

کلیه حقوق برای آستانه مقدسه محفوظ است

مرکز پخش: قم / میدان شهداء (چهارراه بیمارستان) انتشارات زائر

تلفن: ۰۷۱۸۵ - ۳۵۹۷ - ص. ب: ۷۷۴۲۵۱۹

شادی‌های شیعه

ترجمه

مسار الشیعه

تألیف

شيخ مفید

(٢٣٦ - ٤١٣ھ)

ترجمه: عبد الهادی مسعودی

فهرست مطالب

.....	مقدمة مترجم
.....	مقدمة مؤلف
.....	ماه رمضان
.....	ماه شوال
.....	ذو القعده
.....	ذو الحجه
.....	ماه محرم
.....	صفر
.....	ماه ربيع الأول
.....	ماه ربيع الآخر
.....	ماه جمادى الأولى
.....	ماه جمادى الآخر
.....	ماه ربى
.....	ماه شعبان

مقدمه مترجم:

بقای فرهنگ و تمدن دینی نیازمند حیات ایمان در دل گروندگان به آن دین است و نیز رفتارهای فردی و اجتماعی برخاسته از ایمان. از این رو استوار سازی باورها لازم و به صحنه در آوردن رفتارهای اعتقادی ضروری است.

شیخ مفید(ره) اندیشمندی بزرگ است که برای تحکیم بنیان‌های فکری و عملی شیعه در هر دو عرصه باور و عمل کوشید. او کتاب‌های متعددی در زمینه عقاید و علم کلام نگاشت و در طول زندگی خود گفتگو و مناظره‌های فراوانی با دیگراندیشان کرد و عالمانی مانند سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی را پرورش و به حوزه نورسته شیعه در مرکز حکومت پهناور اسلامی - بغداد - هدیه داد.

شیخ مفید(ره) همچنین با تدوین کتاب‌هایی مانند ارشاد، مزار و

الشیعة

مسار الشیعة - کتاب حاضر - به ارائه الگوها و سفارش هایی برای چگونه زیستن و تنظیم رفتارهای ایمانی پرداخت.

شیخ مفید در این کتاب - مسار الشیعة - که آن را به «شادی های شیعه» ترجمه کرده ام مانند بسیاری دیگر از کوشش هایش، در صدد پاسخگویی به نیازهای واقعی مخاطبان بوده و خواننده را از روزهای شاد و نیز روزهای غمگین تاریخ سه قرن نخست اسلام آگاه ساخته و اعمال متناسب هر روز را با تکیه به سخنان پیشوايان دین گوشتزد نموده است.

شیخ مفید با قلم شیوای خود بی آن که به تفصیل گراید، وقایع بزرگ اتفاق افتاده در هر روز را به یاد آورده و خواننده را با هویت تاریخی و دینی خود آشنا و زمینه درس آموزی از تاریخ را فراهم کرده است.

از نکات جالب توجه این کتاب، قرار دادن ماه مبارک رمضان به عنوان سر آغاز سال قمری است. شیخ مفید بر اساس روایات و شواهد تاریخی، نخستین ماه قمری را ماه رمضان و نه محرم دانسته و اعمال این ماه را مقدم داشته است.

از دیگر نکات می توان به چند تاریخ ولادت و شهادت امامان □ اشاره کرد که با آنچه اکنون مشهور شده، متفاوت است و با توجه به

پژوهش‌های تاریخی و حدیثی شیخ مفید در کتاب ارشاد، قابل توجه و پیگیری است.

متن عربی این کتاب پیشتر و با تحقیق جناب آقای مهدی نجف به چاپ رسیده است و همان را به عنوان متن اصلی ترجمه کرده، هر چند تغییرات اندکی در آن داده‌ام.

محقق فرزانه این کتاب، افرون بر ارائه یک متن پاکیزه از میان نسخه‌های متعدد، ارجاعات سودمندی را در پانوشت ارائه داده که برخی از آنها را برای مشتاقان آگاهی بیشتر از تاریخ صدر اسلام و وقایع هر روز ترجمه کرده‌ام.

جناب آقای عامر شوهانی نیز متن عربی را در حدّ لزوم اعراب نهاده که کمک شایان توجهی به ترجمه کرده است.
به امید بهره‌داری سخنوران، دانشوران و عموم مردم از ترجمه و مقبول شدن این تلاش‌ها در درگاه الهی.

عبدالهادی مسعودی

۱۳۸۷ پاییز

ماه مبارک رمضان ۱۴۲۹

١٠ مسار الشيعة

دِيْنُ اللَّهِ الْعَزِيزِ

الحمد لله على ما بَصَرَنَا من حكمته، وهدانا إليه من سبيل رحمته، [ويُسَرُّ لنا من طاعاته^١، ومَنْ^٢ به علينا من فوائده، [لدَوَام نَعِيمِه^٣ في جَنَّتِه، وصلَّى الله على صفوته من بريته، محمد والأئمَّة الطاهرين من عترته وسلم كثيرًا^٤..]

أمّا^٥ بعد:

فقد وقفتُ - أيدِكَ الله تعالى - على ما ذَكَرْتَ من الحاجة إلى مختصرٍ في تاريخ أيام مسار الشيعة وأعمالها، من القُرْبٍ في التشريع، وما خالف في معناه؛ ليكون الاعتقاد بحسب مقتضاه؛ ولأعمري إنّ معرفة هذا الباب^٦ من حلية أهل الإيمان، وممّا يُفْيِي إغفاله بأهل الفضل والإيمان.

ولم يَزَل الصالحون من هذه العصابة - حرسها الله - على مرور الأوقات يُراعون هذه التواريخ؛ لإقامة العبادات فيها، والقُرْبٌ بالطاعات، واستعمال ما يلزم العمل به [في الأيام^٧] المذكورات، وإقامة حدود الدين في فَرْقٍ ما بين أوقات المسار والآحزان.

١. في «ب» و «ج»: «ويسّره من طاعته».

٢. في «ب» و «ج»: «المخمرة لدَوَام نعمته».

٣. في «ب» و «ج»: «تسليماً».

٤. في «ب» و «ج»: «و».

٥. في «ب» و «ج»: «الكتاب».

٦. في «ب» و «ج»: «للأيام».



مقدمه مؤلف:

ستایش ویژه خدایی است که ما را به حکمتش بینش داد و از سر رحمت، به خود ره نمود طاعت‌هایش را بر ما آسان و آنها را ارزانی ما کرد تا به نعمت جاویدش در بهشت دست یابیم. خدا بر برگزیده خلقش، محمد و امامان پاک از خاندان او درود و سلام فراوان فرستد.

اما بعد:

من آگاه شدم که به تاریخی مختصر در باره روزهای شادی شیعه نیازمندی تا اعمال دینی مقرّب به خدا را در آن روزها و نیز اختلاف موجود در این میان را بیان کند تا اعتقاد مطابق آن باشد.

و به جانم سوگند که شناخت این موضوع زیور مؤمنان است و ناآگاهی از آن برای صاحبان فضیلت و ایمان رشت است.

و همواره نیکان طائفه شیعه - خداوند نگاهدارشان باد - در همه روزگاران، این تاریخ‌ها را پاس داشته تا عبادات را در آن روزها به جای آورند و با طاعات خود، به خداوند تقرّب جویند و اعمال لازم این روزها را به انجام رسانند و مرزهای دین را در تفاوت نهادن میان روزهای شادی و غم پاس نهند.

وقد كان بعض مشايخنا من أهل [النقل - وَقَهْمَ الله -^٤] رسم في هذا المعنى طرفاً يسيراً لم يأتِ به على ما في النفس من الإيثار، وأخلّ بجمهور ما يُراد [العمل منه^٥] لما كان عليه من الاختصار، وأنا، بمشيئة الله وعونه، مُثبت في هذا الكتاب، أبواباً تحتوى على ما سَلَفَ ممّا^٦ ذكرناه، وتتضمن من الزيادة ما ينضم الفائدة به لمن تأمهله، [وَتَبَيَّنَهُ وَقَرَأَهُ^٧].

فإذا^٨ انتهيتُ في كلّ فصل منه إلى ذِكْرِ الأَعْمَالِ، شَرَحْتُ منها ما كان القول مفيدة مفيدة له على الإيجاز، وبَيَّنتُ عن كلّ عَمَلٍ أَعْرَبَ^٩ الخبر عنه بالشرح والتفصيل، وأجملتُ منه أكثر^{١٠} القول [مخافة الإِمَالَ بالتطويل^{١١}]؛ ليزداد الناظر لنفسه في استخراجه من الأَصْوَلِ - إِذَا وقف على صفتِه^{١٢}؛ بفحوى النطق به، والدليل - بَصِيرَةً. وأقدم^{١٣} - في ما أُرْتَبَهُ من ذكر الشهور - شهر رمضان؛ لتقدُّمه في مُحْكَمِ القرآن، ولما فيه من [العبادات والمُقرّبات^{١٤}]، ولكونه عند آل الرسول عليه وعليهم السلام أول الشهور في مِلَّةِ الإسلام .^{١٥}

٦. في «ب» و «ج»: «العلم».
٧. ما بين المعقوفين ساقط من «ب» و «ج»: «ما يُكْثَر».
٨. في «ب» و «ج»: «فيه ويؤدي إلى الملال والتطويل».
٩. في «ب» و «ج»: «حقيقته».
١٠. في «ب» و «ج»: «من العبادة والقربات».
١١. روى الشيخ الكليني في الكافي^٤: حديث ٦٥، يسانده عن أبي عبد الله^٦ قال: إنَّ الشهور عند الله أثنا عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السماوات والأرض، فَغَرَّ الشهور: شهر الله، وهو شهر رمضان... إلى آخره؛ وقال الشيخ الطوسي في مصباح المتهجد: «لأنَّ المشهور من روایات أصحابنا أنَّ شهر رمضان أول السنة».

و یکی از اساتید محدث ما – خداوند موقشان بدارد – نوشته‌ای کوچک در این باره نگاشته، اما حق مطلب را نهاده و به دلیل اختصارش، بیشتر اعمال مناسب این روزها را نیاورده است، و من به خواست و یاری خدا، باب‌هایی را در این کتاب شکل داده‌ام که آنچه را گفتم در بردارد و نیز مطالب دیگری که فواید فراوانی برای کسی که آنها را بخواند و در آنها بیندیشد به ارمنان می‌آورد.

و هر گاه در انتهای فصل به ذکر اعمال رسیده‌ام، آنچه را در شرح آنها مفید بوده است به ایجاز گفته‌ام و هر عملی را که احادیث برای آن روز بیان داشته‌اند، با شرح و تفصیل روشن کرده‌ام و بسیاری از گفته‌ها را به اجمال آورده‌ام تا به تطویل ملال آور نینجامد و آن کس هم که به فکر خویش [و عبادت بیشتر] است از اشاره مجلل و محتوای سخن ما، به آنها پی برد و از کتاب‌های اصلی حدیث استخراج کند.

در دسته‌بندی اعمال ماهها، ماه رمضان را مقدم داشتم زیرا آیات محکم قرآن آن را مقدم داشته و نیز عبادت‌ها و اعمالی [فراوان و ویژه] در آن سفارش شده است. همچنین نزد خاندان پیامبر (ص) نخستین ماه سال اسلامی، ماه رمضان است.

وبرهانِ حصول الأشهر الحرم جميعاً في كلّ سنة على ما قرّه النبیان، واتفق عليه جملةً الأخبار^٢، من افراطِ رجب، واتصال ما عدّاه منها من غير [تباین ولا^٣ انصال، وتعدد وجودها في سنة واحدة على خلاف هذا النظام^٤].

وأتبع القول في ما يليه^٥ من الأشهر على الاتساق، إلى خاتمة ذلك على التمام، وبالله أستعين.

١. ليس في «ب» و «ج».

٢. والخبر المروي عن النبي صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم لما نقل في مرضه: يا أيها الناس! إن السنة اتنا عشر شهرا، منها: أربعة حرم: رجب مفرد، ذو القعدة ذو الحجة والمحرّم، ثلاث متواлиات. انظر: تفسير العياشي، ذيل آية ٣٦ من سورة التوبة.

٣. ليس في «ج».

٤. ما بين المعقوفين ساقط من نسخة «ب»، وزاد في «ب» و «ج»: «تطويل»^٥ في «ب» و «ج»: « يأتي».

دلیل دیگر تقدیم اینکه اگر ماه رمضان، ابتدای سال باشد، همه ماههای حرام یک سال قمری به همان گونه واقع می‌شود که قرآن و روایات گفته‌اند^۱، یعنی تنها ماه رجب، تنها و جدای از بقیه ماههای حرام است و سه ماه دیگر [ذی قعده، ذی حجه و محرم]^۲ به هم پیوسته و در کنار هم هستند؛ در صورتی که اگر رمضان را آغاز سال ندانیم، ماه محرم هر سال نیز مانند رجب جدا می‌افتد. آنگاه بقیه ماههای پس از آن را به ترتیب تا به انتها می‌آورم و از خدا یاری می‌جوییم.

۱. در تفسیر عیاشی، ذیل آیه ۳۶ سوره توبه: «منها أربعة حرم...» از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است: چهار ماه ازدوازده ماه، حرام است، و سپس با دستش اشاره کرد: رجب تنها، و ذی قعده، ذی حجه و محرم، سه ماه پشت سر هم. گفتنی است در مدخل کتاب «ماه خدا» اثر محمدی ری‌شهری، نیز به اول بودن ماه رمضان پرداخته شده است.

شهر رمضان

هذا الشهر سید الشهور؛ على الأثر المنقول عن سيد المرسلين صلى الله عليه وآله^١. وهو ربيع المؤمنين^٢، بالخبر الظاهر عن العترة الصادقين عليهم السلام، وكان الصالحون يسمونه: المضمار.

وفيه تفتح أبواب الجنان، وتغلق أبواب النيران، وتصفَّد مرآة الشياطين. وقد وصفَه الله تعالى بالبركة في الذكر الحكيم^٣، وأخبر بإِنْزَاله فيه القرآن المُبِين، وشهد بفضل ليلة منه على ألف شهر يحسِّبها العادون^٤.

١. روى الشيخ الكليني قدس سره في الكافي^٤: ٦٧ بسنده عن أبي جعفر عليه السلام، قال: قال رسول الله (ص) لما حضر شهر رمضان وذلك في ثلاثة أيام من شعبان قال لبلال: ناد في الناس، فجتمع الناس، ثم صعد المنبر، فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: أيها الناس إن هذا الشهر قد خصكم الله به وحضركم وهو سيد الشهور، ليلة فيه خير من ألف شهر... إلى آخر الخطبة.
ورواه الشيخ الصدوق في الفقيه^٢: ٥٩، الحديث^٣: ٢٥٥، والشيخ الطوسي في التهذيب^٤: ١٩٢ الحديث ٥٤٩.

٢. روى الشيخ المصنف قدس سره في المقمعة كتاب الصيام، باب سُنُن شهر رمضان وغيره عن الباقر عليه السلام أئمه قال: لكل شيء ربيع وربيع القرآن شهر رمضان.

ورواه الشيخ الصدوق في ثواب الأعمال: ١٢٩ الحديث الأول.

٣. إشارة إلى قوله تعالى في سورة الدخان: ٢: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبِينَ كَمَّا كُنَّا مُنْذِرِين).

٤. إشارة إلى قوله تعالى في سورة القدر: (لَيْلَةُ الْقُدرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ).

ماه رمضان

بر پایه حدیث نقل شده از سرور فرستادگان صلی الله علیه وآل‌ه، ماه رمضان، سرور ماهها است و مطابق با روایتی روشن از خاندان راستگویان علیهم السلام، بهار مؤمنان است، و صالحان آن را میدان مسابقه [برای کسب ثواب] می‌نامند.

در این ماه، درهای بهشت گشوده و درهای دوزخ بسته می‌شود و شیطان‌های رانده شده به بند کشیده می‌شوند. خداوند این ماه را در قرآن حکیمش مبارک خوانده و از نزول قرآن مبین در آن خبر داده و به برتری یک شب از آن بر هزار ماه شمرده شمارشگران گواهی داده است.

فأوّل ليلة منه [يجب فيها النية^١] للصيام.

ويُستحب استقبالها بالغسل عند غروب^٢ الشمس، والتطهير^٣ لها من الأذناس، وفى أولها دعاء الاستهلال عند رؤية الهلال^٤.

وفيها الابتداء بصلوة نوافل ليالي شهر رمضان، وهى ألف ركعة من أول الشهر إلى آخره، بترتيب معروف فى الأصول عن الصادقين [من آل محمد^٥] عليهم السلام^٦.

ويُستحب فيها الابتداء بقراءة جزءٍ من القرآن، يُتلى من بعده إلى آخره ثلاث مرات على التكرار.

ويُستحب فيها أيضا مُباضعة النساء على الحال دون الحرام؛ ليعزى الإنسان بذلك عن نفسه الدواعي إلى الجماع فى صبيحتها من النهار،

١. في «ب» و «ج»: «تجنب النية فيه».

٢. في «ب» و «ج»: «وجوب».

٣. في «ب» و «ج»: «والتطهير».

٤. رواه المصنف قدس سره في المقمعة، كتاب الصيام، باب الدعاء عند طلوع الملاع.

ورواه الشيخ الطوسي في التهذيب^٤: ١٩٦ الحديث ٥٦٢ بسنده إلى أبي جعفر عليه السلام، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إذا أهلَّ هلال شهر رمضان، استقبل القبلة، ورفع يديه فقال: اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان... إلى آخر الدعاء. روى الشيخ الطوسي في المصدر السابق الحديث ٥٦٣ بسنده عن الصادق عليه السلام، يقول: كان أمير المؤمنين إذا أهلَّ شهر رمضان، استقبل القبلة، ورفع يديه فقال: اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان... إلى آخره.

٥. ليس في «ب».

٦. انظر: تفصيل ذلك في: المقمعة للمصنف قدس سره كتاب الصلاة باب صلاة شهر رمضان، وما رواه الشيخ الشیعی الطوسي في التهذیب^٣: ١٦٦ الحديث ٢١٨.

در نخستین شب ماه رمضان، واجب است نیت روزه کرد.

و مستحب است هنگام غروب آفتاب با غسل کردن و پاکی از آلودگی‌ها به پیشواز آن رفت و در آغاز شب و به گاه دیدن هلال ماه، دعای استهلال را خواند.^۱

در این شب، نمازهای نافله شب‌های رمضان آغاز می‌شود که از اول تا آخر ماه هزار رکعت است و ترتیب و چگونگی آن در کتاب‌های اصلی حدیث از امامان مذکور است.^۲

مستحب است در این شب به قرائت جزیی از قرآن آغاز کرد و پس از آن تا آخر قرآن را سه بار بخواند.

و در این شب، آمیزش جنسی حلال و نه حرام با زنان مستحب است تا انسان به وسیله آن، تمایلات و انگیزه به آمیزش را در صبح روز رمضان از خود بزداید و روزه‌اش برایش به کمال و سلامت بماند.

۱ و ۲. این دعاها و نمازها در کتاب «ماه خدا» نوشته آیت الله محمدی ریشه‌ی، به تفصیل آمده و ترجمه شده است.

وَيَسْلِمُ لِهِ صَوْمُهُ عَلَى الْكَمَالِ.

وفيها دعاء الاستفناح، وهو مَشْرُوحٌ فِي كثِيرٍ مِنَ الْكِتَابِ، فِي كِتَابِ الصِّيَامِ^١.

أوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ [مِنْهُ يُبْتَدِأُ بِفَرْضِ الصِّيَامِ]^٢، وَبَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ فِيهِ دَعَاءٌ مَخْصُوصٌ، مُوَظَّفٌ، مَشْهُورٌ^٣ [عَنِ الْأَئْمَةِ مِنْ^٤ آلِ مُحَمَّدٍ].^٥

وفِي السَّادِسِ مِنْهُ [أَنْزَلَ اللَّهُ التُّورَةَ عَلَى مُوسَى بْنِ عُمَرَانَ^٦].

وَفِيهِ مِنْ^٧ سَنَةِ إِحْدَى وَمِائَتَيْنِ لِلْهِجَرَةِ^٨ كَانَتِ الْبَيْعَةُ لِسَيِّدِنَا أَبِي الْحَسْنِ عَلَيِّ^٩ بْنِ مُوسَى الرِّضا^{١٠}؛ وَهُوَ يَوْمٌ شَرِيفٌ يَتَجَدَّدُ فِيهِ سُرُورُ الْمُؤْمِنِينَ.

١. لم يجد دعاء «الاستفتاح» في ما يخصّ أعمال هذه الليلة، بل هو اسم آخر لدعاء «أمّ داود» الذي يُدعى به في شهر رجب؛ فعلمه مصحف «الافتتاح» وهو من الأدعية المشهورة التي يُدعى بها في كل ليلة من ليالي شهر رمضان المبارك.

٢. في «أ»: «فرض فيه نية الفرض».

٣. انظر: المقنعة: ٣٢٠، إقبال الأعمال: ١١٩، بحار الأنوار: ٩٧ ح ٣٢٦.

٤. في «ب»: «من أئمة».

٥. روى ذلك أيضاً الكليني في الكافي: ٤١٥٧، الحديث: ٥٥٢ والصدق في من لا يحضره الفقيه: ٢١٠٢، الحديث: ٤٥٧، والشيخ الطوسي في التهذيب: ٤١٩٣، الحديث: ٥٥٢.

٦. ما بين المعقودين ساقط من نسخة «ب».

٧. في «ب» و «ج»: «من الهجرة».

٨. ذكر العيقوني في تاريخه: ٢٤٤٨، أنها كانت في يوم الاثنين لسبعين خلون من شهر رمضان سنة ٢٠١ هـ.

الشیعة

و دعای استفتاح^۱ در این شب است که در بخش روزه بسیاری از کتاب‌ها آمده است.

در نخستین روز ماه رمضان نیت روزه گرفتن واجب است و پس از نماز صبح دعایی ویژه دارد که به آن امر شده و از امامان خاندان محمد مسیح مشهور است.

در روز ششم رمضان، خداوند تورات را بر موسی بن عمران نازل کرد.

و در همین روز از سال دویست و یک هجری (۲۰۱ هـ)، بیعت سرورمان، ابو الحسن، علی بن موسی الرضا بود که روزی بزرگ است و شادی مؤمنان در آن تجدید می‌شود.

۱. ما دعایی با این نام برای اعمال این شب نیافتیم، بلکه آن نام دیگر دعای «ام داود» است که در ماه رجب می‌خوانند. محتمل است که «استفتاح» تصحیف «افتتاح» باشد، دعای مشهوری که شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود.

وَيُسْتَحِبُّ فِيهِ الصَّدَقَةُ وَالْمَبَرَّةُ لِلمساكِينِ، وَالإِكْثَارُ لِشُكْرِ اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ عَلَى مَا أَطْهَرَ فِيهِ مِنْ حَقٍّ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَإِرْغَامُ الْمَنَافِقِينَ.

وفى اليوم العاشر منه سَنَةُ عَشْرٍ مِنَ الْعُثْنَةِ، وَهِيَ قَبْلُ الْهِجْرَةِ بِثَلَاثِ سَنِينِ تَوْفِيقَتْ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ خَدِيجَةَ بِنْتَ حُوَيْلِدٍ^١ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا [وَأَسْكَنَهَا جَنَّاتَ النَّعِيمِ^٢].

وفى الْيَوْمِ^٣ الثَّانِي عَشْرَ [نَزَلَ الإِنْجِيلُ عَلَى عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ^٤].

وَهُوَ يَوْمٌ^٥ الْمُؤَاخَةُ، الَّذِي^٦ آخَى فِيهِ النَّبِيُّ^٧ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ صَاحِبِهِ وَآخَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ عَلِيٍّ^٨ [صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا^٩].

وَفِي لِيَلَةِ النِّصْفِ مِنْهُ يُسْتَحِبُّ الغُسْلُ، وَالتَّنَفُّلُ بِمَائَةِ رَكْعَةٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِنْهَا الْحَمْدُ [وَاحِدَةٌ، وَعَشْرُ مَرَّاتٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^{١٠}]، خَارِجَةٌ

١. ذَكَرَ ذَلِكَ أَيْضًا أَبُو الفَرجِ الْأَصْبَاهَنِيُّ فِي مَقَاتِلِ الطَّالِبِيِّينَ: ٤٨، وَابْنُ سَعْدٍ فِي طَبَقَاتِهِ: ١١: ٨.

٢. مَا بَيْنَ الْمَعْقُوفِينَ ساقِطٌ مِنْ نَسْخَةِ «بِ» وَزَادَ فِي «بِ» وَ«جِ»: «وَأَرْضاها».

٣. ساقِطٌ مِنْ «بِ» وَ«جِ».

٤. روَى ذَلِكَ أَيْضًا الشَّاشِيُّونَ الثَّلَاثَةُ فِي الْكَافِيِّ: ١٥٧، الْمَدِيْدُ: ٥، وَمَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ: ٢: ١٠٢، الْمَدِيْدُ: ٤٥٧، وَالْتَّهْذِيبُ: ٤: ١٩٣، الْمَدِيْدُ: ٥٥٢.

٥. مَا بَيْنَ الْمَعْقُوفِينَ ساقِطٌ مِنْ نَسْخَةِ «بِ» وَأَيْدِلُ عَنْهُ كَلْمَةً: «مِنْهُ كَانَتْ»، عَفِيَ فِي «بِ» وَ«جِ»: «الَّتِي».

٦. ساقِطٌ مِنْ «بِ» وَ«جِ».

٧. انظر: قصَّةُ الْمُؤَاخَةِ فِي السِّيرَةِ النَّبُوَّيَّةِ - لَابْنِ كَثِيرٍ - ٢: ٣٢٤ - ٣٢٥، وَغَيْرُهَا مِنْ كُتُبِ السِّيرَةِ وَالتَّارِيخِ.

٨. فِي «بِ» وَ«جِ»: «عَلَيْهِمَا السَّلَامُ».

٩. فِي «بِ» وَ«جِ»: «مَرَّةٌ، وَقَلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرُ مَرَّاتٍ».

و صدقه و نیکی به بینوایان در آن مستحب است و نیز شکرگزاری فراوان برای خدای والا نام در برابر حقی که از خاندان محمد[□] آشکار ساخت و بینی منافقان را به خاک مالید.

و در روز دهم رمضان سال دهم بعثت، سه سال، پیش از هجرت، مادر مؤمنان، خدیجه دختر خویلد، وفات کرد، خدا از او راضی باشد و در بهشت جاویدش جایش دهد.

و در روزدوازدهم، انجیل بر عیسی میریم[□] نازل شد و روز برادری است که پیامبر[□] در آن روز، یارانش را با هم برادر کرد و علی[□] را برادر خود نمود، درودهای خدا بر هر دو باد.

و در شب نیمه رمضان، غسل کردن و صدرکعت نماز خواندن مستحب است. این صدرکعت افزون بر هزار رکعت قبلی است که برای مجموع ماه رمضان ذکر کردیم و در هر رکعت آن یک مرتبه حمد و ده مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) خوانده می‌شود و در روایات، فضیلت فراوانی برای این نماز گفته شده است.

عن الأَلْفِ رَكْعَةِ الَّتِي ذَكَرْنَا هَا فِي مَا نَقَدْمَ، وَقَدْ^١ وَرَدَ الْخَبَرُ [فِي فَضْلِ ذَلِكَ بِأَمْرِ جَسِيمٍ^٢].

وَفِي يَوْمِ النِّصْفِ مِنْهُ سَنَةً ثَلَاثَ مِنْ الْهِجْرَةِ كَانَ مَوْلُدُ سَيِّدَنَا أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلَىٰ^٣ [بْنِ أَبِي طَالِبٍ^٤] عَلَيْهِمَا السَّلَامُ^٥.

وَفِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ سَنَةً خَمْسَ وَتِسْعَينَ وَمَائَةً وَلُدُّ سَيِّدَنَا أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدَ بْنِ عَلَىٰ^٦ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ^٧; وَهُوَ يَوْمُ سُرُورِ الْمُؤْمِنِينَ.

وَيُسْتَحْبِطُ فِيهِ الصَّدَقَةُ، وَالتَّطَوُّعُ بِالْخَيْرَاتِ، وَالْإِكْثَارُ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَىٰ ظُهُورِ حُجَّتَّهِ، وِإِقَامَةِ دِينِهِ بِخَلِيفَتِهِ فِي الْعَالَمَيْنِ، وَابْنِ نَبِيِّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

وَفِي لَيْلَةِ [سَبْعَةِ عَشَرَ] مِنْهُ كَانَتْ لَيْلَةُ بَدْرٍ؛ وَهِيَ لَيْلَةُ الْفُرْقَانِ^٨،

١. فِي «ب» و «ج»: «فَقَدْ».

٢. فِي «ج»: «فَضْلَهُ أَمْرُ جَسِيمٍ».

٣. أَوْرَدَ ذَلِكَ الشَّيْخُ الطَّوْسِيُّ فِي التَّهذِيبِ ٢١١ وَ٢١٢: ٦٢.

٤. مَا بَيْنَ الْمَعْقُوفَيْنِ لَيْسَ فِي نَسْخَتِ «ب» و «ج».

٥. اَنْظُرْ: تَارِيخُ الطَّبَرِيِّ: ٢: ٥٣٧ مَقَاتِلُ الطَّالِبِيِّينَ: ٤٩، وَدَلَائِلُ الْإِمَامَةِ: ٦٠ وَطَبَقَاتُ ابْنِ سَعْدٍ مُخْطُوطَةٍ، وَشَذْرَاتُ الذَّهَبِ: ١٠.

٦. ذَكَرَ ذَلِكَ أَبُو جَعْفَرُ الطَّبَرِيُّ أَيْضًا فِي دَلَائِلِ الْإِمَامَةِ: ٢٠١، وَحَكَاهُ الْمُجْلِسِيُّ فِي الْبَحَارِ ٥٠ عَنْ تَارِيخِ تَارِيخِ الْفَقَارِيِّ، وَهُوَ أَحَدُ الْأَقْوَالِ الَّتِي ذُكِرَتْ هَا الْيَسِابُورِيُّ فِي رُوضَةِ الْوَاعِظَيْنِ: ١: ٢٤٣، وَابْنُ شَهْرَآشُوبِ فِي مَنَاقِبِهِ: ٣٧٩.

٧. وَلَمْ يَذْكُرْ الْمُؤْلِفُ تَارِيخَ وَفَاتَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فِي كِتَابِ الْأَسَابِ مِنَ الْمَقْعَدَةِ: ٧٤: وَقَبْضُ بَغْدَادِ فِي آخِرِ ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةِ عَشَرِيْنِ وَمَائَتَيْنِ.

٨. إِشَارَةٌ إِلَى الآيَةِ ٤١ مِنْ سُورَةِ الْأَنْفَالِ، فِي وَصْفِ غَزْوَةِ «بَدْرِ الْكَبْرِيِّ» وَتَيْزِيرِ أَهْلِ الْحَقِّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنِ: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيَىِ الْجَمِيعَانِ» وَانْظُرْ: الطَّبَرِيُّ فِي تَارِيخِهِ: ٢: ٤٤ وَ٢٩٤.

و در روز نیمه رمضان سال سوم هجری، (۳ هـ) ولادت سرورمان ابو محمد، حسن بن علی بن ایطالب □ است و در چنین روزی از سال صد و نود و پنج هجری (۱۹۵ هـ)، سرورمان ابو جعفر محمد بن علی بن موسی [= امام جواد □] متولد شد^۱ و آن روز شادی مؤمنان است.

و صدقه دادن در آن و کارهای خیر مستحب است و نیز شکرگزاری فراوان خدای متعال به خاطر ظهور حجتش و برپا کردن دینش به وسیله جانشینش میان جهانیان و فرزند پیامبرش، سرور فرستادگان، درودها و سلام خدا بر او و خاندانش. و شب هفدهم ماه رمضان، شب نبرد بدر است، شب جدایی [مؤمنان و مشرکان] و شب شادی مسلمانان.

۱. این نظر، یکی از چند نظر درباره روز ولادت امام جواد □ است. امام جواد □ در آخر ذی قعده سال ۲۲۰ هجری در بغداد وفات یافت.

مسَرَّةُ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ.

وَيُسْتَحِبُّ فِيهَا الْغُسلُ، كَمَا ذَكَرْنَا فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِّنْ [شَهْرِ رَمَضَانِ].

وَفِي يَوْمِ السَّابِعِ عَشَرَ مِنْهُ كَانَتِ الْوَقْفَةُ بِالْمُشْرِكِينَ بِيَدِهِ، وَنُزُولُ الْمَلَائِكَةِ
بِالنَّصْرِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَحَصْلَتِ الدَّائِرَةُ عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ
وَالظُّغَيْلَانِ، وَظَاهَرَ الْفَرْقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَكَانَ بِذَلِكَ عِزٌّ أَهْلَ الإِيمَانِ وَذُلٌّ أَهْلَ
الضَّلَالِ وَالْعُدُوانِ.

وَيُسْتَحِبُّ الصَّدَقَةُ فِيهِ، [وَيُسْتَحِبُّ فِيهِ] ^[٣] الْإِكْثَارُ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى
عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَى الْخَلْقِ ^[٤] مِنَ الْبَيَانِ؛ وَهُوَ يَوْمُ عِيدِ وَسُرُورِ لِأَهْلِ
الْإِسْلَامِ.

وَفِي لَيْلَةِ تِسْعَةِ عَشَرَ مِنْهُ يُكْتَبُ وَفْدُ الْحاجِ ^[٥]. وَفِيهَا ضُربُ مَوْلَانَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الضَّرِبةُ التِّي قَضَى فِيهَا نَحْبَهُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَفِيهَا غُسْلٌ، كَالذِّي ذَكَرْنَا هُنَّا مِنَ الْأَغْسَالِ، وَيُصَلَّى فِيهَا مِنْ

١. فِي «بٌ» وَ«جٌ»: «الشَّهْر».

٢. ذَكْرُ الطَّبرِيِّ فِي تَارِيخِهِ: ٢: ٤٤؛ أَنَّ النَّقَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْمُشْرِكِينَ بِيَدِهِ كَانَ
صَبِيحةً سِعَةً عَشْرَةً مِنْ رَمَضَانَ.

٣. وَرَوَى ابْنُ كَثِيرٍ فِي السِّيَرَةِ النَّبُوَيَّةِ: ٢: ٤٦٥؛ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ وَقْعَةَ بَدْرٍ كَانَتْ يَوْمَ الْجَمْعَةِ
السَّابِعَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَقَالَهُ أَيْضًا عَرْوَةُ بْنُ الْزَّبِيرِ، وَقَتَادَةُ، وَإِسْمَاعِيلُ، وَالسَّدِيُّ الْكَبِيرُ،
وَأَبُو جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٤. مَا بَيْنَ الْمَعْقُوفَيْنِ سَاقِطٌ مِّنْ «بٌ».

٥. فِي «بٌ» وَ«جٌ»: «أَهْلُ الْحَقِّ».

٥٧٠. وَرَوَى ذَلِكَ أَيْضًا الشَّيْخُ الطَّوْسِيُّ فِي التَّهْذِيبِ: ٤: ١٩٦، ٥٦١ وَمَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ:

و غسل در آن مستحب است همان گونه که در شب اول رمضان ذکر کردیم.

و در روز هفدهم رمضان نبرد با مشرکان در بدر^۱ و نزول فرشتگان برای یاری الهی پیامبر خدا □ واقع شد و دمار از روزگار کافران و طاغیان درآمد و فرق حق و باطل هویدا و عزّت مؤمنان و ذلت گمراهان و متجاوزان حاصل شد.

و صدقه دادن در این روز مستحب است و نیز شکرگزاری فراوان خدای متعال در برابر نعمت قرآن که به مردم ارزانی داشت، و آن روز عید و سرور مسلمانان است.

و در شب نوزدهم ماه رمضان، حاجیان [در لوح مکتوب]
نامنویسی می‌شوند و در آن شب، مولایمان امیر مؤمنان، علی بن ابیطالب □ ضربتی خورد که اجلش را به پایان برد و در این شب غسلی مانند غسل‌هایی که ذکر کردیم (مستحب) است و صدرکعت از هزار رکعت نماز ماه رمضان را در این شب می‌خوانند.

۱. بدر، نام منطقه‌ای میان مکه و مدینه است. نبرد بدر در کنار چاههای این منطقه واقع شد.

الألف ركعة مائة ركعة على التمام.

ويُستَحِبُّ فيها كثرة الاستغفار، والصلاحة على نبیِّ اللہ محمد بن عبد اللہ عليه السلام، والابتهال إلى اللہ تعالى في تجدید العذاب على ظالميهم من سائر الأئمَّة، والإکثار من اللعنة على قاتل أمیر المؤمنین عليه السلام؛ وهي ليلة يتَجَدَّد فيها حُزن أهل الإيمان.

وفي العشرين^١ منه سنة ثمان من الهجرة كان فتح مکّة^٢، وهو يوم عيد لأهل الإسلام، ومسَرَّة بنَصْر اللہ تعالى نبیِّه عليه السلام، وإنجازه له ما وعدَه، والإبانة عن حَقَّه، وبإبطال عَدُوِّه.

ويُستَحِبُّ فيه التطوع بالخيرات، ومواصلة الذِّكر لللہ تعالى، والشكر [له على جليل^٣] الإنعام.

وفي ليلة إحدى وعشرين منه كان الإسراء برسول اللہ صَلَّى اللہ عليه وآلِه وَسَلَّمَ، وفيها رفع اللہ عیسیٰ بن مریم عليهمما السلام.

وفيها قُبض موسى بن عمران عليه السلام، وفي مثلها قُبض وَصِيُّه يوشَّع بن نون عليه السلام.

وفيها كانت وفاة أمیر المؤمنین عليه السلام سنة (٤٠) أربعين

١. في «ب» و «ج»: «اليوم العشرين».

٢. قال الطبرى في تاريخه: ^{٦٩} قال ابن إسحاق: وكان فتح مکّة لعشر ليالٍ يَقِنَ من شهر رمضان سنة ثمان».

٣. في «ج»: «للہ علی جلیل».

و در این شب استغفار فراوان و صلوات بر پیامبر خدا، محمد ابن عبد الله □ و مناجات با خدای متعال برای تجدید عذاب مردمان ستمکار بر این خاندان و نفرین فراوان بر قاتل امیر مؤمنان □ مستحب است و آن شبی است که غم مؤمنان تجدید می‌شود.

و در بیستم ماه رمضان سال هشتم هجری (۸ هـ)، مکّه فتح شد و آن روز عید و سرور مسلمانان است به خاطر یاری خداوند متعال نسبت به پیامبرش □ و تحقق وعده‌اش به وی و آشکار کردن حقانیت او و بطلان دشمنش.

و در این روز کارهای خیر، و نیز خدا را پیوسته یاد کردن و شکرگزاری بر نعمت‌های سترگش مستحب است.

و در شب بیست و یکم رمضان، معراج پیامبر خدا □ بوده و در همین شب، خداوند عیسی بن مريم □ را به آسمان برکشید و موسی بن عمران □ قبض روح شد و نیز وصیش یوشع بن نون، در همین شب قبض روح شد.

و در این شب، شهادت امیر مؤمنان □ در سال چهلم هجری

من الهجرة، وله يومئذ ثلث وستون سنة^١.

وهي الليلة التي يتَجَدَّد فيها أحزان آل محمد عليهم السلام وأشياعهم، والغُسل فيها كالذى ذَكْرُته، وصلاة مائة ركعة كصلاة ليلة تسعه عشر؛ حَسَب ما قدّمناه، والإكثار من الصلاة على محمد وآل محمد عليهم السلام، والاجتِهاد في الدعاء على ظالميهم، ومُواصَلة اللُّعنة على قاتل^٢ أمير المؤمنين عليه السلام، ومن طرَقَ على ذلك وسَبَبَه^٣، وأثره ورَضِيَّه من سائر الناس.

وفي ليلة ثلث وعشرين منه [أنزل الله عز وجل على نبيه الذِّكر، وفيها^٤ تُرجى ليلة القدر. وفيها غُسل عند وجوب الشمس، وصلاة مائة ركعة، يُقرأً في كل ركعة فاتحة الكتاب وعشرون مرات (إنا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)، وتُحْبَى هذه الليلة بالصلوة والدعاء والاستغفار.

١. ذهب إليه الشيخ الكليني قدس سره في الكافي ١: ٤٥٢. والشيخ الطوسي في التهذيب ١٩٦: ٤٥٢ في حديث طويل قال فيه: «... وليلة إحدى وعشرين رفع فيها عيسى عليه السلام، وفيها قُبض وصيّ موسى عليه السلام، وفيها قُبض أمير المؤمنين عليه السلام.. وتضمنت الخطبة التي خطبها الإمام الحسن عليه السلام بعد شهادة أمير المؤمنين عليه السلام الإشارة إلى هذه الحوادث.

انظر ذلك في: مقاتل الطالبيين: ٥٢، وتأريخ الطبرى: ٩١، وابن أبي الحديد: ٤: ١١، والإرشاد - للمصنف قدس سره - : ١٤٧، وصفوه الصفة: ١: ١٢٦.

وقال المصنف قدس سره في الإرشاد: ١٢: وكانت وفاة أمير المؤمنين عليه السلام قبل الفجر ليلة الجمعة إحدى وعشرين من شهر رمضان سنة أربعين من الهجرة.

٢. في «ب» و «ج»: «قاتل».

٣. في «ب» و «ج»: «وسَّطَه».

٤. ما بين المعقوفين ساقط من نسخة «ب».

(۴۰ هـ) به سن شصت و سه سالگی واقع شد و آن شبی است
که غم‌های خاندان محمد □ و پیروانشان تجدید می‌شود و غسل در
آن مانند غسل هایی است که ذکر کردیم و صدر رکعت نماز خواندن
مانند شب نوزدهم که پیشتر گفتیم و صلوات فراوان بر محمد و
خاندان محمد □ مستحب است و نیز سخت کوشی در نفرین کردن
ستمکاران به ایشان و لعنت پیوسته فرستان بر قاتلان امیر مؤمنان □
و هر کس که اسباب و زمینه‌های آن را فراهم ساخت.
و در شب بیست و سوم رمضان، خدای عزّ و جلّ قرآن را بر
پیامبرش نازل کرد و امید می‌رود شب قدر در آن باشد و هنگام
غروب خورشید، غسل مستحب است و صدر رکعت نماز که در هر
رکعت، سوره حمد و ده مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)
خوانده می‌شود و این شب را با نماز و دعا و استغفار زنده می‌دارند.

ویُسْتَحِبَّ أَن يَقْرَأَ فِي هَذِهِ الْلَّيْلَةِ خَاصَّةً سُورَةَ^١ الْعَنكَبُوتِ وَالرُّومِ؛ فَإِنَّ فِي
ذَلِكَ ثَوَاباً عَظِيمَاً، وَلَهَا دُعَاءٌ مِنْ جَمِيلَةِ الدُّعَاءِ الْمَرْسُومِ لِلْلَّيَالِيِّ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَهِيَ
لَيْلَةٌ عَظِيمَةٌ الشَّرَفِ، كَثِيرَةُ الْبَرَكَاتِ.

وَفِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ تُخْتَمُ نِوافِلُ شَهْرِ رَمَضَانَ.

ویُسْتَحِبَّ فِيهَا خَتْمُ قِرَاءَةِ^٢ الْقُرْآنِ، وَيُدْعَى فِيهَا بِدُعَاءِ الْوَدَاعِ؛ وَهِيَ لَيْلَةٌ
عَظِيمَةُ الْبَرَكَةِ^٣.

١. في «ب» و «ج»: «سورة».

٢. ليس في «ب» و «ج».

٣. روى الشيخ الكليني في الكافي^٤: ١٦٥ الحديث^٥، والشيخ الصدوق في من لا يحضره الفقيه^٦: ٢: ١٠٧ الحديث^٧: ٤٦٣، والشيخ الطوسي في التهذيب^٨: ١٢٢ الحديث^٩: ٢٦٧ و ٢٦٨، بسندهم عن أبي عبد الله عليه السلام دعاء طويل في وداع شهر رمضان، أوّله: اللَّهُمَّ إِنِّي قُلْتُ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»، وهذا شهر رمضان وقد تصرّمَ، فأسألك بوجهك الكريم ... إلى آخر الدعاء.

٤. زيد في «ب» و «ج»: «كثيرة الحيرات».

و از اعمال مخصوص این شب خواندن دو سوره عنکبوت و روم است که پاداش بزرگی دارد و دعایی از دعاها مرسوم ماه رمضان مخصوص این شب می‌باشد و آن شبی بسیار شریف و پر برکت است.

و در آخرین شب رمضان، نمازهای نافله ماه رمضان تمام می‌شود و ختم کردن قرائت قرآن در آن مستحب است و دعای وداع^۱ در آن خوانده می‌شود و آن نیز شبی پر خیر و برکت است.

۱. دعای وداع در کتب اصلی حدیث شیعه آمده و در کتاب «ماه خدا» نیز نقل و ترجمه شده است.

شهر شوّال

أول ليلة منه فيها غسل عند وجوب الشمس، كما ذكرنا ذلك في أول ليلة من شهر رمضان، وفيها دعاء الاستهلال؛ وهو عند رؤية الهلال.

وفيها ابتداء التكبير عند الفراغ من فرض المغرب، وانتهاؤه عند الفراغ من صلاة العيد من يوم الفطر؛ فيكون ذلك في عقب أربع صلوات..

وشرحه: أن يقول المصلى عند السلام^١ من كل فريضة: «الله أكبر الله أكبر [الله أكبر]^٢، لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر الحمد لله على ما هدانا، وله الشُّكْر على ما أولاًنا»؛ ف بذلك ثبتت السنة عن رسول الله صلى الله عليه وآله، وجاءت الأخبار بالعمل به عن الصادقين من عترته عليهم السلام^٣.

١. في «ب» و «ج»: «التسليم».

٢. ليس في «ب» و «ج».

٣. روى الشيخ الكليني في الكافي: ١٦٦ الحديث، والشيخ الصدوق في من لا يحضره الفقيه: ١٠٨ الحديث، ٤٦٤، والشيخ الطوسي في التهذيب: ١٢٨ الحديث ٣١١ بسندهم عن سعيد النقاش، قال: قال أبو عبد الله لي: أما أن في الفطر تكريبا ولكته مسنون، قال: قلت: وأين هو ؟ قال: في ليلة الفطر في المغرب والعشاء الآخرة وفي صلاة الفجر، وصلاة العيد، ثم يقطع. قال: قلت: كيف أقول ؟ قال تقول: الله أكبر الله أكبر... إلى آخره، باتفاقات فيها.

وشرح المصطفى التكبير في المقنعة: ٣٣ بهذا اللفظ: «الله أكبر لا إله إلا الله والله أكبر والحمد لله على

ماه شوال

در نخستین شب آن غسل کردن هنگام غروب خورشید مستحب است، همان گونه که در نخستین شب ماه رمضان گفتیم و نیز دعای استهلال به هنگام دیدن هلال ماه و آغاز به تکبیرگویی پس از فراغت از نماز مغرب [و نیز عشا و صبح] و در انتهای، پس از فراغت از نماز عید فطر، بدین ترتیب که پس از این چهار نماز واجب گفته می‌شود: اللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ الحمد لله علی ما هدانا وله الشکر علی ما اولانا؛ خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدایی جز خداوند نیست، خدا بزرگتر است، ستایش ویژه خداست بر هدایت ما و سپاس بر احسانش به ما. و این عمل مطابق با سنت رسیده از پیامبر ﷺ است و روایات نیز عمل راستگویان خاندانش را همین گونه گزارش کرده است.

من السُّنَّةِ فِي هَذِهِ الْلَّيْلَةِ - مَا وَرَدَتِ الْأَخْبَارُ بِالْتَّرْغِيبِ فِيهِ، وَالْحَضْنُ عَلَيْهِ - أَن يَسْجُدَ الإِنْسَانُ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ فَرِيضَةِ الْمَغْرِبِ وَيَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «يَا ذَا الْحَوْلِ، يَا ذَا الْطَّوْلِ، يَا مُصْطَفِيَّا مُحَمَّدا وَنَاصِرَهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَنَسِيَّتُهُ أَنَا وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»، ثُمَّ يَقُولُ: «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» مائةَ مَرَّةٍ، وَلَيَنْوِي عِنْدَ هَذَا القَوْلِ مَا تَابَ مِنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَنَدَمَ عَلَيْهِ إِنْ شاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

وَيُسْتَحِبُّ أَن يَصَّلِّي فِي هَذِهِ الْلَّيْلَةِ رَكْعَتَيْنِ، يَقْرَأُ فِي الْأُولَى مِنْهُمَا فَاتِحةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَسُورَةَ الْإِخْلَاصِ الْأَلْفَ مَرَّةً، وَفِي الثَّانِيَةِ بِالْفَاتِحةِ^١ وَسُورَةِ الْإِخْلَاصِ مَرَّةً وَاحِدَةٌ؛ فَإِنَّ الرِّوَايَةَ جَاءَتْ بِأَنَّهُ مَنْ صَلَّى هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْفِطْرِ، لَمْ [يَنْتَقِلْ مِنْ مَكَانِهِ]^٢ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى ذَنْبٌ إِلَّا غَفَرَهُ.

وَتَطَبَّقَتِ الْآثَارُ عَنْ أَئِمَّةِ الْهُدَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالْحَثِّ عَلَى الْقِيَامِ فِي هَذِهِ الْلَّيْلَةِ، وَالْإِنْتِصَابُ لِلْمَسَأَلَةِ، وَالْإِسْتِغْفَارُ، وَالدُّعَاءُ.

[وَرُوِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَا يَنَامُ فِيهَا، وَيُحِسِّنُهَا بِالصَّلَاةِ وَالدُّعَاءِ^٣] وَالسُّؤَالِ، وَيَقُولُ^٤: «فِي هَذِهِ الْلَّيْلَةِ يُعْطَى الْأَجْرُ أَجْرُهُ».^٥

١. رواه الشيخ الكليني في الكافي^٦: ١٦٧ الحديث ٣، ومصباح المتهجد: ٥٩٢ باختلاف يسير في الألفاظ.
٢. في «ب»: «فاتحة الكتاب».
٣. في «ب» و «ج»: «يَنْتَقِلْ».
٤. ما بين المعقوفين ساقط من نسخة «ب» و «ج».
٥. في «ب» و «ج»: «وقيل».
٦. روى ذلك: المؤلف، في فضل ليلة النصف من شعبان.

و از سنت‌های این شب، که روایات هم به آن ترغیب و تشویق کردند، این است که انسان پس از فراغ از نماز مغرب به سجده برود و در سجده‌اش بگوید: «؛ ای قدرتمند، ای چیره دست، ای گریننده محمد و یاور او، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و هر گناهی را که کرده و از یاد برده‌ام، اما نزد تو در کتاب مبین است، بی‌امر ز».

سپس صد مرتبه می‌گوید: «اتوب الى الله»، به سوی خدا باز می‌گردم؛ و به هنگام گفتن این ذکر، همه گناهانی را که از آنها توبه نموده و پشیمان شده نیت کند، ان شاء الله .

و مستحب است که در این شب دو رکعت نماز بگزارد، در رکعت اول آن سوره حمد را یک مرتبه و سوره اخلاص [= قل هو الله احد] را هزار مرتبه و در رکعت دوم نیز سوره حمد و سوره اخلاص را هزار مرتبه بخواند که روایت است هر کس این دو رکعت را در شب عید فطر بخواند، هنوز از جایش برخاسته که دیگر گناهی میان او و خدای متعال نماند جز آن که خدا آن را بی‌امر زد و روایات همسان و همخوانی از پیشوایان هدایت در ترغیب به قیام این شب و اشتغال به درخواست و استغفار، رسیده است.

و روایت شده که امیر مؤمنان در این شب نمی‌خوابید و آن را با نماز و دعا و درخواست از خدا زنده می‌داشت و فرمود: در این شب، مزد کارگر را می‌دهند.

أوّل يوم من شوّال، وهو يوم «عِيد الفِطْر»، وإنما كان عِيد المؤمنين بِمَسْرَّتهم
بِقَبُول أَعْمَالهم، وَتَكْفِير سَيِّئاتِهم، وَمَغْفِرَة ذُنُوبِهم، وما جاءَتْهُم مِن البِشارة مِنْ عند
رَبِّهم - جَلَّ اسْمُهُ - مِنْ عَظِيمِ الثوابِ لَهُمْ عَلَى صِيامِهِمْ، وَقُرْبِهِمْ وَاجْتِهادِهِمْ.

وفي هذا اليوم غُسلٌ، وهو عَلَامَة التَّطهيرِ مِن الذُّنُوبِ، والتَّوَجُّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ، وَمَسَأْلَةِ الْقَبْولِ. وَمِن السُّنَّةِ فِيهِ الطَّهِيبُ، وَلِيُسْأَلْ أَجْمَلُ الشِّيَابِ،
وَالخِروجُ إِلَى الصَّحْرَاءِ، وَالْبُرُوزُ لِلصَّلَاةِ تَحْتِ السَّمَاءِ.

وَيُسْتَحِبُّ أَن يَتَنَاهَى إِلَيْهِ شَيْءًا مِنَ الْمَأْكُولِ قَبْلَ [التَّوَجُّهِ إِلَى] الصَّلَاةِ،
وَأَفْضَلُ ذَلِكَ: السُّكَّرُ.

وَيُسْتَحِبُّ تَنَاهُلُ شَيْءٍ مِنْ تُرْبَةِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ
دَاءٍ، وَيَكُونُ مَا يَؤْخَذُ مِنْهَا مَبْلغاً يُسِيرَا.

وَصَلَاةُ العِيدِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِرِيَضَةٌ مَعَ الْإِمَامِ، وَسُنَّةٌ عَلَى الْإِنْفِرَادِ، وَهِيَ
رُكُوتٌ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ، وَوَقْتُهَا عِنْدِ ابْنِسَاطِ الشَّمْسِ بَعْدَ ذَهَابِ
حُمْرَتِهَا، وَفِي هَاتِينِ الرُّكُوتَيْنِ اثْنَتَا عَشْرَةً تَكْبِيرَةً، مِنْهَا سَبْعٌ فِي الْأُولَى
مَعَ تَكْبِيرِ الْاِفْتِتاحِ وَالرُّكُوعِ، وَخَمْسٌ فِي الْثَّانِيَةِ مَعَ تَكْبِيرَةِ الْقِيَامِ، وَالْقِرَاءَةِ
فِيهَا عِنْدَ آلِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَبْلَ التَّكْبِيرِ^٥، وَالْقُنُوتُ فِيهَا بَيْنَ كُلِّ

١. في «ب» و «ج»: «قربِهِمْ». ٢. في «ب» و «ج»: «أَفْخَرْ».

٣. ما بين المعقودين ساقط من «ب» و «ج». ٤. ليس في «ب».

٥. انظر: ما رواه الشيخ الكليني في الكافي ٤٥٩: باب صلاة العبدين الحديث ١ إلى الحديث ٥ والشيخ الصدوق في من لا يحضره الفقيه: ٣٢٤ الحديث ١٤٨٤، والشيخ الطوسي في التهذيب ١٣١ الحديث ١٣١ - ٢٩٠، والاستبصار ٤٤٨ الحديث ١٧٣٣ - ١٧٤٣.

روز اول شوال، عید فطر و روز عید و شادی مؤمنان است به دلیل پذیرفته شدن اعمالشان، نادیده گرفتن بدی‌هایشان، آمرزش گناهانشان و بشارت رسیده از جانب خدای والا نامشان نسبت به پاداش بزرگ روزه‌داری و تلاششان و نیز نزدیکی به خداوند.

و این روز غسل دارد به نشان پاک شدن از گناهان و روی آوردن به خدای متعال برای برآوردن حاجت‌ها و درخواست پذیرش [اعمال]، و از جمله سنت‌های این روز: عطر زدن، پوشیدن زیباترین لباس‌ها و بیرون رفتن به دل صحراء و خواندن نماز زیر آسمان است، و مستحب است انسان پیش از رفتن به نماز عید، چیزی بخورد که بهترین آن شکر [و شیرینی] است و نیز مستحب است مقدار بسیار کمی از تربت امام حسین □ بخورد که در آن شفای هر دردی است. نماز عید در این روز، با امام، واجب و تنها مستحب است. دو رکعت نماز بی اذان و اقامه که وقتی از گسترده شدن خورشید و رفتن سرخی طلوعش است. این دو رکعت، دوازده تکبیر دارد که هفت تکبیرش در رکعت اول است- با احتساب تکبیر آغاز نماز و رکوع-، و پنج تکبیر در رکعت دوم است، با احتساب تکبیر قیام و نزد خاندان پیامبر □ فرائت [حمد و سوره] این نماز پیش از تکبیر، و قنوت آن میان هر

وفي هذا اليوم فريضة إخراج الفطرة، وَوَقْتها من طلوع الشمس إلى الفراغ من صلاة العيد، فَمَنْ لَمْ يُخْرِجْهَا مِنْ مَالِهِ وَهُوَ مُتَمَكِّنٌ مِنْ ذَلِكَ قَبْلَ مُضِيِّ وَقْتِ الصَّلَاةِ^١ فَقَدْ ضَيَّعَ فَرْضًا، وَاحْتَقَبَ مَائِنَةً، وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فَقَدْ أَدِيَ الواجب، وإنَّ تَعَذُّرَ عَلَيْهِ وِجْودَ الْفَقَرَاءِ.

والفِطْرَةُ زَكَاةُ واجبة، نَلَقَ بِهَا الْقُرْآنُ، وَسَنَّهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَهَا يَكُونُ تَمَامُ الصِّيَامِ، وَهِيَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى قَبْولِ الْأَعْمَالِ، وَهِيَ تِسْعَةً أَرْطَالَ بِالْبَغْدَادِيِّ مِنَ التَّمَرِ؛ وَهُوَ قَدْرُ الصَّاعِ، أَوْ صَاعٌ مِنَ الْحَنْطَةِ، أَوِ الشَّعِيرِ، أَوِ الْأَرْزِ، أَوِ الدُّرَّةِ، أَوِ الزَّبِيبِ؛ حَسَبَ مَا يَعْلَمُ عَلَى اسْتِعْمَالِهِ فِي كُلِّ صَقْعٍ مِنَ الْأَقْوَاتِ، [وَأَفْضَلُ ذَلِكَ: التَّمَرُ]^٢؛ عَلَى مَا جَاءَتْ بِهِ الْأَخْبَارُ^٣.

وفي هذا اليوم يَعْيِّنهُ وَهُوَ أَوْلَى يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ سَنَةٍ (٤١) إِحْدَى وَأَرْبَعينَ مِنَ الْهِجْرَةِ أَهْلَكَ اللَّهُ تَعَالَى أَحَدَ فَرَاعِنَةَ هَذِهِ الْأُمَّةِ: عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ^٤، وَأَرَاحَ مِنْهُ أَهْلَ إِلَيْسَامِ، وَتَضَاعَفَتْ بِهِ الْمَسَارُ لِلْمُؤْمِنِينَ.

وفي اليوم النصف من سنة ثلث من الهجرة كانت وقعة أحد،

١. سقط من «ب»، وفي «ج»: «الظهر».

٢. ما بين المقوفين ساقط من «ب» و«ج».

٣. انظر: ما رواه الشيخ الطوسي في التهذيب: ٧٥ - ٢١٠ و ٨٥ - ٢٤٦ - ٢٤٧.

٤. قال الطبرى في تاريخه: ١٨١ في حوادث سنة ثلث وأربعين: وفيها مات عمرو بن العاص بصر يوم النظر.

وذكر ابن حجر في تهذيب التهذيب: ٥٠ عدد أقوال في سنة وفاته: فلاحظ.

الشیعة

دو تکبیر و پس از قرائت است.

و در این روز، بیرون کردن فطریه [از اموال] واجب است و وقت آن از طلوع خورشید تا فراغت از نماز عید است و هر کس بتواند امّا آن را پیش از گذشتن وقت نماز عید، از دارایی اش بیرون نکند، واجبی را تباہ کرده و گناهی را به جان خریده است ولی هر کس آن را از دارایی اش بیرون کند، واجبش را ادا کرده است، هر چند فقیری را [برای زکات دادن] نیابد.

فطریه، زکاتی واجب است که قرآن به آن فرمان داده و پیامبر □ آن را بنیان نهاده و روزه با آن کامل می‌شود، و آن گونه‌ای سپاسگزاری در برابر خدای متعال بر پذیرش اعمال است. مقدار آن نُه رطل بغدادی - برابر سه کیلوگرم - خرما، یا گندم، جو، برنج، ذرت و یا کشمش مطابق با خوراک غالب مردم هر دیار است و بر طبق برخی روایات، خرما از همه بهتر است.

و خداوند در این روز، یعنی اول شوال سال چهل و یکم هجری (۴۱ هـ)، یکی از فرعون‌های این امت، عمرو عاص را هلاک و مسلمانان را از او آسوده کرد و شادی مؤمنان دو چندان گشت. و در روز نیمه شوال سال سوم هجری (۳ هـ)، جنگ اُحد رخ داد

وفيها استشهاد أسد الله وأسد رسول الله، وسيد شهداء وقته وزمانه، عم رسول الله صلى الله عليه وآلـه: حمزة بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف^١ – رضي الله عنه وأرضاه –.

وفيه كان التمييز بين الصابرين مع نبيه عليه السلام والمنهزمين عنه من المستضعفين والمنافقين، وظهر لأمير المؤمنين عليه السلام في هذا اليوم من البرهان ما نادى به جبريل عليه السلام في الملائكة المقربين، ومدحه بفضله في عليين، وأبان رسول الله صلى الله عليه وآلـه لأجله عن منزلته في النسب والدين.

وهو يوم يتجلّب فيه المؤمنون كثيراً من الملاذ؛ لمساب رسول الله صلى الله عليه وآلـه بعـمه وأصحابه المخلصين، وما لحقه من الأذى والألم بفعل المشركين.

١. وعليه محمد بن إسحاق؛ كما حكاه عنه ابن كثير في السيرة النبوية ٣: ١٨ و ١٢٠.

الشيعة

که شیر خدا و شیر رسول خدا، سرور شهیدان زمانه و روزگارش، عمومی پیامبر خدا[□]، حمزه بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف در آن شهید شد، خدا از او راضی باد و از خود راضیش کند.

و در همین جنگ بود که صابران در کنار پیامبرش[□] از کوتاه فکران و منافقان فراری از گرد پیامبر [جدا و] شناخته شدند، و برهان امیر مؤمنان[□] آشکار شد و جبرئیل[□] آن را میان فرشتگان مقرب، ندا داد و فضیلت او را در ملکوت آسمانها ستود و پیامبر خدا[□] بدان خاطر، منزلت او را در تبار و دین ابراز کرد و آن روزی است که مؤمنان، بسیاری از خوشی‌ها را کنار می‌گذارند به خاطر مصیبیتی که به پیامبر خدا در از دست دادن عمو و یاران مخلصش رسید و آزار و رنجی که از کار مشرکان دید.

ذو القعْدة

وهو شهر حَرَامٌ مُعَظَّمٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ.

وفى اليوم الثالث والعشرين منه كانت وفاة سيدنا أبي الحسن عليه ا بن موسى الرضا عليهما السلام بطُوس، من أرض خراسان، سنة (٢٠٣) ثلاث ومائتين من الهجرة.

وفى اليوم الخامس والعشرين منه نُزِّلتَ الكعبة، وهي أول رحمة نُزِّلتَ. وفيه دَحَا اللَّهُ تَعَالَى الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِ الْكَعْبَةِ، وَهُوَ يَوْمٌ شَرِيفٌ عَظِيمٌ، مَنْ صَامَهُ كَتَبَ اللَّهُ الْكَرِيمُ لَهُ صِيَامُ سِتِّينِ شَهْرًا؛ عَلَى مَا جَاءَ بِهِ الْأَثْرُ عَنِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

١. قال المصطفى في الإرشاد: ٣٠٤: «وقُبض عليه السلام بطور من أرض خراسان في صفر سنة ثلاث ومائتين، وله يومئذ خمس وخمسون سنة».

وروى الشيخ الصدوق في عيون الأخبار: ١٨ الباب ٣ في ذكر مولد الرضا عليه السلام، الحديث الأول بسنده عن غياث بن أسميد، قال: سمعت مجاعة من أهل المدينة يقولون: ولد الرضا على بن موسى عليه السلام بالمدينة يوم الخميس لإحدى عشرة ليلة خلت من ربيع الأول سنة ثلاث وخمسين ومائة من المجرة - إلى قوته - ودفن في دار حميد بن قحطبة الطائي في القبة التي فيها هارون الرشيد إلى جانبها مما يلي القبلة، وذلك في شهر رمضان ليُتبين منه يوم الجمعة سنة ثلاث ومائين... إلى آخر الحديث.

٢. روى ذلك الشيخ الكليني في الكافي عن الصادق والراذن والرضا عليهم السلام في أحاديث؛ انظر ذلك في: الكافي: ٤: ١٤٨ - ١٥٠ باب صيام الترغيب الحديث ١ - ٤، والشيخ الصدوق في من لا يحضره الفقيه ٢: ٥٤ الحديث ٢٣٩.

٣. انظر: ما تقدّم من روایة الشيخ في الكافي: ٤: ١٤٨ - ١٥٠ باب صيام الترغيب والشيخ الصدوق في ثواب الأعمال: ١٠٤، ومن لا يحضره الفقيه ٢: ٥٤ الحديث ٢٣٨ بسنده عن الحسن بن علي الوشاء، عن الرضا عليه السلام.

ذو القعده

ماهی حرام که در جاهلیت و اسلام بزرگداشته می شود.
روز بیست و سوم این ماه در سال دویست و سه هجری (٢٠٣)
هـ) وفات سرورمان ابو الحسن علی بن موسی الرضا □ واقع شد.^۱
و روز بیست و پنجم آن، کعبه فرود آمد و آن نخستین رحمت
فرود آمده است. در همین روز خدای متعال زمین را از زیر کعبه
گستراند، و آن روزی شریف و بزرگ است و مطابق با روایاتی که از
راستگویان □ رسیده است، هر کس آن را روزه بدارد، خدای کریم،
روزه شصت ماه را برای او می نویسد.

۱. مؤلف کتاب در ارشاد گفته است: و امام رضا علیه السلام به سن پنجاه و پنج سالگی و در صفر سال
دویست و سه هجری در طوس خراسان وفات یافت.
شیخ صدق نیز میلاد امام رضا علیه السلام را پنجشنبه، یازدهم ربیع الأول سال ۱۵۳ هجری در
مدینه دانسته و وفات او را روز جمعه بیست و یکم رمضان سال ۲۰۳ هجری دانسته است.

ذو الحجّة

وهو أكْبَرُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ وَأَعْظَمُهَا، وَفِيهِ الإِحْرَامُ بِالْحَجَّ وَإِقَامَةُ فَرْضِهِ، وَيَوْمُ عَرَفةَ، وَيَوْمُ النَّحْرِ.

وأَوَّلُ يَوْمٍ مِنْهُ لِسَتِينِيْنَ مِنَ الْهِجْرَةِ زَوْجُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَىْ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ بْنِ سَيِّدِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ الْبَتُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ۔

وَفِي الْيَوْمِ الْثَالِثِ مِنْهُ سَنَةٌ تِسْعٌ مِنَ الْهِجْرَةِ نَزَّلَ جَبَرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرْدَ أَبِي
بَكْرٍ عَنْ أَدَاءِ سُورَةِ بِرَاءَةٍ وَتَسْلِيمِهَا إِلَىْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَكَانَ ذَلِكَ
عَزْلًا لِأَبِي بَكْرٍ مِنَ السَّمَاءِ، وَتَوْلِيَةً^٢ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنَ السَّمَاءِ۔

وَفِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ مِنْهُ، وَهُوَ «يَوْمُ التَّرْوِيَةِ»، ظَهَرَ مُسْلِمُ بْنُ عَقِيلٍ - رَحْمَةُ
اللَّهِ عَلَيْهِ - دَاعِيَا إِلَىْ سَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ۔

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ عِنْدَ زَوْلِ الشَّمْسِ يُنْشَئُ الْمُتَمَمِّنُ بِالْعُمْرَةِ إِلَىِّ الْحَجَّ

١. وَبِهِ قَالَ الشِّيْخُ الطَّوْسِيُّ فِي مَصْبَاحِ الْمَتَهِّجِ: ٦١٢ - ٦١٣.

وَحَكَىَ السَّيِّدُ ابْنُ طَاوُوسَ فِي «إِقِبَالِ الْأَعْمَالِ»، عَنِ الشِّيْخِ الْمَفِيدِ فِي كِتَابِ «حَدَائِقِ الرِّيَاضِ» أَنَّهُ
قَالَ: لِيَلَةُ إِحدِي وَعِشْرِينَ مِنَ الْحَرَّمِ، وَكَانَتْ لِيَلَةُ خَمِيسٍ، سَنَةُ ثَلَاثَ مِنَ الْهِجْرَةِ، كَانَ زَافِ فَاطِمَةَ ابْنَةِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّىَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ إِلَىِّ مَنْزِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... يُسْتَحْبِطُ صَوْمُهُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى
لِمَا وَفَقَ مِنْ جَمْعِ حَجَّهِ وَصَفْوَتِهِ.

أَقْوَلُ: اَنْظُرْ: هَامِشُ الْيَوْمِ السَّابِعِ عَشَرَ مِنَ الْحَرَّمِ، وَالنَّصْفُ مِنْ رَجَبٍ، مِنْ هَذَا الْكِتَابِ.

٢. فِي «بِ» وَ«جِ» وَ«وَوْلَيَةً».

ذو الحجه

بزرگ‌ترین و محترم‌ترین ماه حرام است و احرام حج و برگزاری آن و روز عرفه و عید قربان در آن قرار دارند.

در نخستین روز ذی الحجه، سال دوم هجری، پیامبر خدا[□]، امیر مؤمنان، علی بن ابیطالب[□] را به همسری سرور زنان جهان، فاطمه، زهرای بتول[□] در آورد.^۱

و روز سوم ذی الحجه سال نهم هجری جبرئیل فرود آمد و فرمان متوقف کردن و باز گرداندن ابو بکر از مأموریت ابلاغ سوره برائت و واگذار کردن این امر به عهده امیر مؤمنان[□] را آورد. این عزل ابو بکر از سوی خدا بود و سپردن کار به امیر مؤمنان از همان جانب.

و در روز هشتم که روز ترویه است، مسلم بن عقیل - رحمت خدا بر او باد - به عنوان دعوتجّر به سوی سرورمان، ابا عبد الله الحسین، ظهور کرد.

۱. زفاف فاطمه عليها السلام را شب بیست و یکم محرم سال سوم هجری نیز گفتندند، ر.ک: پانوشت همین کتاب، ص. ۶۳

٤٩ شادی‌های شیعه

الإِحْرَام، فَإِنْ زَالَتِ الشَّمْسُ وَلَمْ يَكُنْ طَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعًا وَقَصْرًا، فَقَدْ فَاتَتْهُ
الْمُتْعَةُ؛ عَلَى أَكْثَرِ الرِّوَايَاتِ.

وفى اليوم التاسع منه، وهو «يوم عرفة»، تاب الله سبحانه على آدم عليه السلام. وفيه ولد إبراهيم الخليل عليه السلام. وفيه نزلت توبه داود عليه السلام. وفيه ولد عيسى بن مرريم عليهما السلام.

وفيه يكون الداعي^١ بالموقف بعد صلاة العصر إلى غروب الشمس؛ على ما ثبت^٢ به سُنة النبي صلى الله عليه وآله^٣.

وفيه أيضاً يُستحب زيارة الحسين بن علي^٤ عليهما السلام، [والتعريف بمُشَهَّدِه^٥، لمن لم يتمكّن من حضور عرفات].

ومن السُّنَّةُ فيه لأهل سائر الأمصار أن يخرجوها إلى الجبأة^٦ [والاجتماع فيها إلى الدعاء^٧].

[وفيه استشهاد مسلم بن عقيل - رضي الله عنه -^٨].

وفى اليوم العاشر منه «عيد الأضحى»، والنحر بعد صلاة العيد سُنَّة لمن أمكنه، أو الذبح، والصدقة باللحوم على الفقراء والمُتَجَمِّلين من

١. في ب وج «الدعاء».

٢. في «ب» و«ج»: « جاءت ».

٣. انظر: ما رواه الشيخ الكليني في الكافي^٤: ٤٦٦ الحديث ١ - ٢، والشيخ الطوسي في التهذيب^٥: ١٨٦ الحديث ٦١٨ - ٦١٩.

٤. ليس في نسخة «ب».

٥. الجبأة: بالفتح ثم التشدید. والجبان في الأصل: الصحراء؛ انظر: معجم البلدان^٦: ٢.

٦. في «ب» و«ج»: « ويجتمعوا هناك للدعاء ».

٧. ما بين المعقوفين ساقط من نسخة «ب».

و در ظهر این روز، حجّگزار به حجّ تمتع، احرام می‌بندد، زیرا مطابق بیشتر روایات، اگر خورشید برود و محرم، طواف [و سعی] و تقصیر خود را به انجام نرسانده باشد، دیگر نمی‌تواند حجّ تمتع بگذارد.^۱

و در روز نهم که روز عرفه است، خداوند سبحان توبه آدم□ را پذیرفت و ابراهیم خلیل□ در همین روز متولد شد و توبه داود□ در همین روز فرود آمد و عیسی□ در همین روز به دنیا آمد.

و در همین روز پس از نماز عصر تا غروب خورشید در عرفات، مطابق با سنتی که از پیامبر□ رسیده است، دعا و مناجات می‌کنند.

در این روز زیارت امام حسین□ و حضور در مرقد شریف‌ش برای کسی که امکان حضور را در عرفات ندارد، مستحب است و از سنت‌های این روز آن است که کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند به صحراء بروند و برای دعا گرد هم آیند.

و در این روز مسلم بن عقیل - خدا از او راضی باشد - به شهادت رسید.

روز دهم، عید قربانی است و قربانی کردن شتر پس از نماز عید، برای

۱. برخی روایات و نیز فتواها می‌گویند تا زمانی که حجّگزار بتواند خود را ظهر روز نهم به عرفه برساند، وقت شروع حجّ تمتع و انجام عمره آن هست.

أهل الإسلام. والأضحية فيه لأهل مني، وفي ثلاثة أيام بعده، وهي أيام التشريق. وليس لأهلسائر الأمصار أن يتباوازُوا بالأضحية فيه إلى غيره من الأيام. وفيه صلاة العيد؛ على ما شرحتناه.

ومن السنة فيه تأخير تناول الطعام حتى يحصل الفراغ من الصلاة، وتجب وقت الأضحية كما بيناه. ويقدم فيه صلاة العيد على الوقت الذي يصلى فيه يوم الفطر لأجل الأضحية؛ على ما وصفناه.

والتكبير، من بعد الظهر منه، في عقب عشرة صلوات لسائر أهل الأمصار، وفي خمسة عشرة صلوات لأهل مني، وهو إلى أن ينفر الناس.

وشرح التكبير في هذه الأيام هو: أَنْ يَقُولُ الْمُصْلِي فِي عَقِبِ كُلِّ فَرِيضَةٍ: «الله أكبر، الله أكبر [الله أكبر] لا إله إلا الله والله أكبر، والحمد لله على ما رزقنا من بهيمة الأنعام». ^١

ويُسْتَحِبُّ فيه التكبير [للنساء والرجال]. ^٢

وفي اليوم النصف منه اشتُدَّ الحصار بعمان بن عفان، وأحاط بداره طلحة والزبير في المهاجرين والأنصار، وطالبوه بخلع نفسه مطالبته حشيشة، وأشرف بذلك على الهلاك.

وفي اليوم الثامن عشر منه سنة عشر من الهجرة عقد رسول الله (ص) لمولانا أمير المؤمنين على بن أبي طالب العهد بالإمامية

١. ليس في «ب» و «ج» و نحو ما في «ب» و «ج» في المقمعة: ٣٣.

٢. في «ب» و «ج» للرجال والنساء».

هر کسی که توانایی دارد مستحب است و یا قربانی دیگری مانند گاو و گوسفند و صدقه دادن گوشت آن به مسلمانان نیازمند، چه درخواست کنند و چه درخواست نکنند. و قربانی حاجیان در منی در این روز است و نیز سه روز پس از آن که ایام تشریق نامیده می‌شوند، اما اهالی دیگر شهرها نمی‌توانند در غیر روز دهم [به این نیت] قربانی کنند، و در این روز نماز عید می‌خوانند به همان شرحی که [در نماز عید فطر] گذشت. و از جمله سنت‌های آن، نخوردن غذا تا فراغ از نماز و در رسیدن وقت قربانی است، و نماز عید قربان را به خاطر قربانی کردن زودتر از نماز عید فطر می‌خوانند به همان گونه که گفتیم.

و از ظهر همین روز، تکبیر خاصی پس از نمازهای واجب گفته می‌شود که برای اهل منی تا هنگام کوچ از منی تا پانزده نماز، و برای اهالی دیگر جاها، تا ده نماز ادامه می‌یابد.

و تکبیر این روزها چنین است که نمازگزار پس از نمازهای واجب خود می‌گوید: «خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدایی جز خداوند نیست و خدا بزرگتر است و ستایش ویژه خدایی است که به ما از چهارپایان روزی خوراند» و این تکبیرگویی برای مردان و زنان مستحب است.

و در روز نیمه ذی حجه، محاصره عثمان شدت گرفت و طلحه و زبیر با گروهی از مهاجران و انصار، خانه او را محاصره کردند و به جدّ از او خواستند که از خلافت کنار برود و از این رو عثمان مشرف به موت شد.

و در روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری پیامبر خدا □ هنگام

فِي رِقَابِ الْأُمَّةِ كَافَّةً، وَذَلِكَ بِـ«غَدِيرِ حُمَّ» عِنْدَ مَرْجِعِهِ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ،
حِينَ جَمَعَ النَّاسَ فَخَطَبَهُمْ، وَوَعَظَهُمْ، وَنَعَى إِلَيْهِمْ نَفْسَهُ (ع). ثُمَّ قَرَرَهُمْ عَلَى
فَرْضِ طَاعَتِهِ حَسَبَ مَا نَزَّلَ بِهِ الْقُرْآنُ، وَقَالَ لَهُمْ عَلَى أَثْرِ ذَلِكَ: «فَمَنْ كُنْتُ
مَوْلَاهُ فَعَلِّيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِّيْ مَنْ وَالِّيْ، وَعَادِيْ مَنْ عَادَاهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،
وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»، ثُمَّ نَزَّلَ، فَأَمَرَ الْكَافَّةَ بِالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ تَهْنِئَةً لِهِ
بِالْمَقَامِ.

وَكَانَ أَوْلَى مَنْ هَنَّأَ بِذَلِكَ: عَمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَقَالَ لَهُ: يَخِيْ بَنِيْ يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ،
أَصَبَّحْتُ مَوْلَايِ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ.^١

وَقَالَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ حَسَّانُ بْنُ ثَابِتِ شَعْراً:

يُنَادِيهِمُ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ	بِخُمُّ فَاسِمُعُ بِالرَّسُولِ مَنَادِيَا
يَقُولُ: عَلَى مَوْلَاكُمْ وَوَلِيُّكُمْ	فَقَالَ وَلَمْ يَبْدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا
إِلَهُكُمْ مَوْلَانَا وَأَنْتَ نَبِيَا	وَلَمْ تَرَ مِنَا فِي الْوَلَايَةِ عَاصِيَا
فَقَالَ لَهُ: قُمُّ يَا عَلَيُّ فَإِنَّنِي	رَضِيَّتُكَ مِنْ بَعْدِ إِمَامًا وَهَادِيَا
فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ عَلَيُّ أَمِيرَهُ	فَكَوْنُوا لَهُ أَنْصَارًا صِدِّيقُ مَوَالِيَا
هُنَاكَ دُعَا: اللَّهُمَّ وَالِّيْ وَلِيَّهُ	وَكُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلَيْا مُعَادِيَا ^٢

١. روای الشیخ الصدوq فی اماليه ۱۲؛ حدیث ۲، والخطیب البغدادی ۸، بسندهما عن أبي هریرة؛ فلاحظ.

٢. ليس في «ب» و «ج» وفيهما ما لفظه: «شعا يهنه بالإمامية، وقال بعده الشعرا». ^{۲۹۰}

بازگشتش از حجّة الوداع بر امامت امیر مؤمنان علی بن ابیطالب □ با امت پیمان بست. هنگامی که مردم را در غدیر خم برای سخنرانی و اندرز گرد آورد و رحلتش را به آنها خبر داد. سپس وظیفه اطاعت آنان را از خود، مطابق گفته قرآن به ایشان یادآوری و تأکید کرد و سپس فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست، خداها هر که دوستش می‌دارد دوست، و هر که دشمنش می‌دارد، دشمن بدار و هر که یاریش می‌دهد، یاری ده و هر که او را و می‌نهد، وا بگذار»، سپس فرود آمد و به همگان فرمان داد که به امارت مؤمنان بر او سلام دهند و این مقام را به او تبریک بگویند. و نخستین کسی که این گونه به او تبریک گفت، عمر بن خطاب بود که به ایشان گفت: به به، ای فرزند ابیطالب، مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان شدی. و حسان بن ثابت در این روز سرود:

پیامبرشان روز غدیر خم ندایشان داد
ندای مسنادی پیامبر را بشنو
گفت و هیچ کس مخالفتی نکرد
می گوید: علی مولا و ولی شماست
و ما در امر ولایت سرپیچی نمی کنیم
خدای تو، مولای ماست و تو پیامبر مایی
پیامبر به او گفت: «ای علی، برخیز که من
تو را به پیشوای راهنمایی پس از خود پستدیدم»
«هر که من مولای اویم، علی امیر اوست
پس یاوران راستین و دوستدار او باشید»
آنجا پیامبر دعا کرد: «خدایا دوستدارش را دوست و دشمن علی را، دشمن بدار».

وَأُنْزِلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ خَاتَمَةِ كَلَامِهِ فِي الْحَالِ: (الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) !
وَهُوَ يَوْمُ عِيدِ عَظِيمٍ بِمَا أَطْهَرَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ حُجَّتِهِ، وَأَبَانَهُ مِنْ خَلَاقَةِ وَصَيْ نَبِيِّهِ، وَأَوْجَبَهُ مِنَ الْعَهْدِ فِي رِقَابِ بَرِّيَّتِهِ.

وَيُسْتَحِبُّ صِيَامُهُ شَكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى جَلَيلِ النِّعْمَةِ فِيهِ.
وَيُسْتَحِبُّ أَنْ يُصْلِي فِيهِ قَبْلَ الزَّوَالِ رُكُونًا يَتَطَوَّعُ الْعَبْدُ بِهِمَا، ثُمَّ يَحْمِدُ اللَّهَ تَعَالَى بِعْدَهُمَا وَيَشْكُرُهُ وَيُصْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَالصَّدَقَةُ فِيهِ مُضَاعَفَةٌ، وَإِدْخَالُ السُّرُورِ فِيهِ عَلَى أَهْلِ الإِيمَانِ يَحْتُطُّ الْأَوْزَارَ.

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ بَعْيَنِهِ مِنْ سَنَةٍ (٣٤) أَرْبَعَ وَثَلَاثِينَ مِنَ الْهِجْرَةِ قُتِلَ عُشَّانُ ابْنُ عَفَّانَ^٢، وَلَهُ يَوْمَئِذٍ اثْنَانِ وَثَمَانِينَ سَنَةً، وَأُخْرَجَ مِنَ الدَّارِ فَالْقِيَ عَلَى بَعْضِ مَزَابِلِ الْمَدِينَةِ، لَا يُقْدِمُ أَحَدٌ عَلَى مُوَارَاتِهِ خَوْفًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، حَتَّى احْتِيلَ لَهُ^٣ بَعْدَ ثَلَاثَةِ يَوْمَيْنَ فَأُخْذِدَ سِرًا، فُدُنِفَ فِي «حُشْ كَوْكَبٍ»، وَهِيَ [كَانَتْ مَقْبَرَةً^٤ لِلْيَهُودِ بِالْمَدِينَةِ، فَلَمَّا وَلَى مَاعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سَفِيَّانَ وَصَلَّاهَا بِمَقَابِرِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ]^٥.

١. المائدة: ٣.

٢. ذَكَرَ الطَّبرِيُّ فِي تَارِيخِهِ: ^٤ ٤١٦ عَدَّةُ أَقْوَالٍ فِي يَوْمِ وَسْنَةِ قُتْلِ عُشَّانَ، فِيهَا مَا رَوَاهُ عَنْ عَامِرِ الشَّعْبِيِّ أَنَّهُ قَالَ: وَقُتُلَ صَبِيَّةٌ ثَمَانِيَّةُ شَرِيكٌ لِلَّهِ مَضْتَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةَ خَمْسٍ وَعِشْرِينَ مِنْ وَفَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٣. فِي «بٍ» وَ«جٍ»: «لَدْفَنَهُ».

٤. فِي «بٍ» وَ«جٍ»: «مَقْبَرَةُ كَانَتْ».

٥. قَالَ ابْنُ سَعْدٍ فِي طَبَقَاتِهِ ٣ / ٧٧: فَهِيَ مَقْبَرَةُ بَنِي أُمَيَّةِ الْيَوْمِ.

و همان حال که سخن پیامبر ﷺ به پایان رسید، این آیه بر پیامبر ﷺ فرود آمد: (امروز دیستان را برأیتان کامل کردم و نعمت را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برأیتان پسندیدم).

و این روز، عید بزرگی است؛ زیرا خدای متعال حجّت خود را فراز آورد و جانشینی وصیٰ پیامبرش را آشکار کرد و تعهد به او را بر گردن آفریدگانش واجب نموده است.

و روزه این روز برای شکرگزاری خدا بر این نعمت بزرگ، مستحب است.

و نیز دو رکعت نماز مستحبی پیش از ظهر که پس از آن خدای متعال را بستاید و سپاس بگزارد و بر محمد و خاندانش صلوات بفرستد، و صدقه دادن در این روز پاداش دو چندان دارد، و شاد کردن مؤمنان، سنگینی گناهان را بر می دارد.

و در همین روز از سال سی و چهار هجری (۳۴ هـ)، عثمان بن عفّان کشته شد و او در آن روز هشتاد و دو ساله بود و [جنازه اش را] از خانه اش بیرون آورده و در یکی از زباله دانی های مدینه انداختند و هیچ کس از بیم مهاجران و انصار به دفن او اقدام نمی کرد تا آن که پس از سه روز چاره ای اندیشیدند و مخفیانه آن را ربوهند و در «حُشّ کوکب»، مقبره ای از آن یهودیان مدینه، به خاک سپردند و هنگامی که معاویه بن ابی سفیان به خلافت رسید، آن جا را به مقبره های مسلمانان متصل کرد.

وفي هذا اليوم بعيته بايع الناس أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام بعد عثمان، ورجع الأمر إليه في الظاهر والباطن، واتفقت الكافة عليه طوعا وبالاختيار.^١

وفي هذا اليوم فلَجَ موسى بن عمران على السَّحَرَة، وأخزى الله تعالى فرعون وجنوده من أهل الكفر والضلال.

[وفي هذا اليوم]^٢ نَجَّيَ الله تعالى إبراهيم الخليل عليه السلام من النار، وجعلها عليه بِرْدًا وسلاما؛ كما نَطَقَ به القرآن.^٣

وفيه نَصَبَ موسى [بُوشَعْ بْنُ نُونَ وَصِيَّهِ]، ونَطَقَ بِفَضْلِهِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ. وفيه أَظْهَرَ عِيسَى بْنَ مَرِيمَ^٤ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِيَّهِ شَمَعُونَ الصَّفَا.

وفيه أَشْهَدَ سَلِيمَانَ بْنَ دَاؤِدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَائِرَ رَعِيَّتِهِ عَلَى اسْتِخْلَافِ آصِفٍ بْنِ بَرْخِيَا وَصِيَّهِ، وَدَلَّ عَلَى فَضْلِهِ بِالآيَاتِ وَالبَيِّنَاتِ؛ وَهُوَ يَوْمٌ عَظِيمٌ كَثِيرُ الْبَرَكَاتِ. وفي اليوم الرابع والعشرين منه باهَلَ رسول الله صلى الله عليه وآله بأمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام نصارى نَجْران، وجاء بذِكر

١. في «ب» و«ج»: «وانختيارا».

٢. في «ب» و«ج»: «وَفِيهِ».

٣. قوله تعالى في سورة الأنبياء: ٦٩. (فَلَقَنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ).

٤. ما بين المعقوفين ساقط من النسخة المعتمدة.

الشيعة

المباهله به و بزوجته و ولدیه محکم التبیان^۱.

و در همین روز، مردم پس از عثمان با امیر مؤمنان علی بن ابیطالب □ بیعت کردند و امر ولایت در ظاهر و باطن به ایشان بازگشت و همگان با میل و رغبت بر او اتفاق کردند.

و در این روز موسی بن عمران بر ساحران غلبه کرد و خدای متعال فرعون و لشکریان کافر و گمراحت را رسوا کرد.

و در این روز خدای متعال ابراهیم خلیل □ را از آتش رهاند و آن را بر او سرد و سلامت کرد همان گونه که قرآن می‌گوید.^۲

و در این روز موسی □ یوشع بن نون را وصی خود کرد و پیش روی همگان از فضیلت او سخن گفت، و عیسی بن مریم وصیش شمعون صفا را فراز آورد، و سلیمان بن داود □، مردمانش را بر جانشینی آصف برخیا، وصیش، گواه گرفت و با نشانه و دلیل، به فضیلت او ره نمود، و آن روزی بزرگ و پر برکت است.

و در روز بیست و چهارم ذی حجه، پیامبر خدا □ به همراه امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و حسین □ با مسیحان نجران مباھله کرد. آیه محکم

۱. إشارة إلى قوله تعالى في سورة آل عمران: ۶۱: (فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَنْبَاءَنَا وَأَنْبَاءَكُمْ وَتَسَاءَلَنَا وَتَسَاءَلَكُمْ فَمُّا نَتَبَيَّلْ فَنَجْعَلُ لِغَةَ اللَّهِ عَلَى الْأَكَاذِبِينَ).

۲. اشاره است به آیه ۶۹ سوره انبیاء: «كُفْتِيْم: ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شود».

قرآن مباهله پیامبر را همراه علی و همسر و دو فرزندش ذکر کرده است.^۱

۱. ترجمه آیه مباهله: «پس هر که با تو در باره او [عیسی] مجادله کند پس از آنکه علم و جانی به تو رسید، بگو: بباید ما پسراخان را و شما پسرانتان را، و ما زنانخان را و شما زنانتان را، و ما خودمان را و شما خودتان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نخاییم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

الشيعة

و فيه تصدق أمير المؤمنين صلوات الله عليه بخاتمه؛ فنزلت بولايته في^١
القرآن^٢.

وفي الليلة الخامسة والعشرين منه تصدق أمير المؤمنين وفاطمة
والحسن والحسين عليهم السلام على المسكين واليتيم والأسير
بثلاثة أقراص [شاعر كانت قوتهم، وآثروهم على أنفسهم،
وأوصلوا^٣ الصيام.]

وفي اليوم الخامس والعشرين منه نزلت في أمير المؤمنين وفاطمة والحسن
والحسين عليهم السلام: (هل أتى على الإنسان^٤).^٥

وفي اليوم السادس والعشرين [سنة (٢٣) ثلاث وعشرين]^٦ من الهجرة طعن
عمر بن الخطاب^٧.

١. في «ب»: «بخاتمه وهو راكع».

٢. في «ب» و«ج»: «آى».

٣. إشارة إلى قوله تعالى في سورة المائدة: ٥٥: (إِنَّا وَلِكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْسِمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الرِّزْكَةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ).

٤. في «ب» و«ج»: «كانت قوتهم من الشعير، وآثروهم على أنفسهم، وواصلا الصيام».

٥. زاد في «ب»: «سورة».

٦. سورة الدهر: «الإنسان»، ٧٦.

٧. ما بين المعقوفين ساقط من «ب».

٨. روى الطبرى في تاريخه^٩: ١٩٣ عن إسماعيل بن محمد بن سعد، قال: طعن عمر يوم الأربعاء لأربع ليال بقين من ذى الحجة سنة ثلاث وعشرين، ودفن يوم الأحد صباح هلال المحرّم.

و در این روز امیر مؤمنان - درودهای خدا بر او باد - انگشت
خود را صدقه داد و آیه قرآن به ولایت او نازل شد.^۱

و شب بیست و پنجم ذی حجّه، امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و
حسین □ سه قرص نان جو خوراک خودشان را به مسکین و یتیم و
اسیر دادند و آنها را بر خود مقدم داشته و روزه فردا را به روزه آن
روز وصل کردند.

و روز بیست و پنجم ذی حجّه، سوره (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) در
شأن امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و حسین □ نازل شد.

و روز بیست و ششم ذی حجّه سال بیست و سوم هجری (۲۳ هـ)
عمر بن خطاب زخم خورد.

۱. ترجمه آیه ولایت: «سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب] که همواره غاز می‌خوانند و در حالی که در رکونعند [به تهییدستان] صدقه می‌دهند».

الشيعة

وفي اليوم السابع والعشرين منه سنة (٢١٢) مائتين واثنتي عشرة^١ من الهجرة كان مولد سيدنا أبي الحسن على بن محمد العسكري عليهما السلام^٢. وفي التاسع والعشرين منه سنة (٢٣) ثلاث وعشرين من الهجرة قُبض عمر بن الخطاب.

١. في «ب» و «ج»: «اثنتي عشرة ومائتين».

٢. أقول: ذكر المصطفى قدس سره في كتاب الأنساب من المقنعة: ٧٤: «كانت ولادته عليه السلام في المنتصف من ذى الحجة».

وذكر أيضاً في إرشاده: ٣٢٧، الأنساب أله ولد عليه السلام كان مولده بصرىًّا مدينة الرسول للنصف من ذى الحجة سنة اثنتي عشرة ومائتين.

و روز بیست و هفتم ذی حجه سال دویست و دوازده هجری (۲۱۲ هـ)، سرورمان، ابو الحسن علی بن محمد عسکری [= امام هادی] به دنیا آمد.^۱

و در روز بیست و نهم ذی حجه سال بیست و سوم هجرت (۲۳ هـ) عمر بن خطاب قبض روح شد.

۱. شیخ مفید در دو کتاب دیگر، ارشاد و مقنعه، ولادت امام هادی را در نیمه ذی حجه دانسته است. امام هادی در «صریا» جای نزدیک مدینه به دنیا آمد.

شهر المُحرّم

هو شهر حرام، كانت الجاهلية تُعظِّمُه، وَبَثَتْ ذلك في الإسلام.
أول يوم منه استجابة لله تعالى دعوة زكريا عليه السلام.
وفي اليوم الثالث منه كان خلاص يوسف عليه السلام من الجُبَّ الذي ألقاه
إخوته فيه؛ على ما جاءت به الأخبار^١، [ونطق به القرآن^٢].
وفي اليوم الخامس منه كان عبور موسى بن عمران عليه السلام من البحر.
وفي اليوم السابع منه كَلَمَ اللَّهُ مُوسَى بْنُ عُمَرَانَ تَكْلِيمًا عَلَى جَبَلِ طُورِ سِينَاءَ.
وفي اليوم التاسع منه أَخْرَجَ اللَّهُ تَعَالَى يُونُسَ^٣ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَطْنِ
الْحَوْتِ وَنَجَّاهُ.

وفي اليوم العاشر منه مقتل سيدنا أبي عبد الله الحسين عليه السلام^٤ من سنة
(٦١) إحدى وستين من الهجرة، وهو يوم يتجدد فيه أحزان آل

١. انظر: تفسير علي بن إبراهيم القمي ١: ٣٤٠، وتفسير العياشي ٢: ١٧٠.

٢. ليس في «ب» وهو إشارة إلى قوله تعالى في سورة يوسف ١٠ و ١٥: (قَالَ قَاتِلُ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبَّ يَأْتِيَهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعْلَيْنَ)، قوله تعالى: (فَلَمَّا ذَهَبُوا يَهُوَ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَعْتَلُوهُ فِي غَيَابِ الْجُبَّ).

٣. في «ب» و «ج»: «يُونُسَ بْنُ مَعْنَى».

٤. في «ب» و «ج»: «الحسين بن علي عليهما السلام».

محمد علیهم السلام و شیعهم، وجاءت الروایة عن الصادقین علیهم

ماه محرم

ماه محرم ماهی حرام است و عرب جاهلی آن را بزرگ می‌داشت و در اسلام نیز چنین ماند.

نخستین روز محرم، خدای متعال دعای زکریا را مستجاب کرد.^۱ و روز سوم، یوسف □ از چاهی که مطابق با آنچه روایات و قرآن می‌گویند برادرانش او را در آن انداخته بودند، رهایی یافت. و روز پنجم، موسی بن عمران □ از دریا گذشت. و روز هفتم، خداوند با موسی بر کوه طور سینا سخن گفت. و روز نهم، خدای متعال یونس □ را از دل ماهی بیرون کشید و او را نجات داد.

و روز دهم، شهادت سروorman ابا عبد الله الحسین □ در سال شصت و یک هجری (۶۱ هـ) اتفاق افتاد و آن روزی است که غم‌های خاندان محمد □ و پیروانشان تجدید می‌شود و روایت از راستگویان □ رسیده که

۱. مقصود، دعای او برای فرزنددار شدن است که خداوند حضرت یحیی را به او عطا کرد و قرآن آن را چنین نقل کرده است: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَتِيَا * يَرْثِنِي وَبَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبًّ رَّضِيَا * يَا رَبَّكَرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ أَسْمُهُ يَحْيَى لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلِ سَمِيَا» سوره مریم: ۵ - ۷.

السلام باجتناب الملاذ، وإقامة سُنن المصائب، والإمساك عن الطعام والشراب إلى أن تزول الشمس، والتغذى بعد ذلك بما يتغذى به أصحاب أهل المصائب، كالألبان وما أشبهها دون المَلَدَّ من الطعام والشراب^١.

ويُستحب في زيارة المشاهد، والإكثار فيها^٢ من الصلاة على محمد وآلهم السلام، والابتهال إلى الله تعالى باللعنة على أعدائهم. ورُوِيَّ أنَّ من زار الحسين عليه السلام يوم عاشوراء فكأنما زار الله تعالى في عرشه^٣.

ورُوِيَّ أنَّ من زاره عليه السلام وبات عنده ليلة عاشوراء حتَّى يُصبح، حَشَرَه الله تعالى مَطْخَا بِدَمِ الْحَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جَمْلَةِ الشَّهَادَةِ مَعَهُ عَلَيْهِ السَّلَام^٤.

ورُوِيَّ أنَّ من زاره في هذا اليوم غفر الله له ما تقدَّمَ من ذنبه وما تأَخَّرَ^٥. ورُوِيَّ: من أراد أنْ يقضِي حقَّ رسول الله (ص) وحقَّ أمير المؤمنين

١. في «ب» و«ج»: «اللذيد».

٢. انظر: ما رواه الشيخ الصدوق في الفقيه^٢: ١٨٤ - ٨٢٩، والشيخ الطوسي في التهذيب^٦: ٧٦ - ١٥٢ - ١٥١ - ١٧٧، الحديث^٤: ٧٦ - ٧١٣.

٣. ليس في «ب» و«ج».

٤. روى ابن قولویہ في كامل الزيارات: ١٧٤، والشيخ الطوسي في مصباح المتهجد: ٧١٣ نحوه.

٥. كامل الزيارات: ١٧٣ - ١٧٤، ومصباح المتهجد: ٧١٣ نحوه.

٦. كامل الزيارات: ١٧٤.

شادی‌های شیعه ۶۷

وفاطمة والحسن عليهم السلام، فَلَيَزِرُ الْحُسَينَ (ع) فِي يَوْمِ عَاشُورَاءِ.

الشيعة

از خوشی‌ها دوری، و مراسم عزا به پا کنند و تا ظهر چیزی نخورند و نتوشنند و پس از آن غذایی بسان غذای مصیبت دیدگان بخورند، مانند شیر و شبیه آن، نه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های لذیذ و خوشگوار.

و زیارت مشاهد مشرفه مستحب است و در این زیارت‌ها بر محمّد و خاندانش □ درود فراوان بفرستد و در کنار راز و نیاز با خدا دشمنان آنها را لعنت کند.

و روایت شده است اگر کسی امام حسین □ را روز عاشورا زیارت کند، گویی که خدا را در عرشش زیارت کرده است. و روایت شده است هر کس او را زیارت کند و شب عاشورا تا صبح نزد او باشد، خداوند متعال او را آغشته به خون حسین □ و در جرگه شهیدان همراه او محشور کند.

و روایت شده است هر کس او را در این روز زیارت کند، خداوند گناهان پیشین و پسین او را بیامرزد.

و روایت شده است هر کس بخواهد حق پیامبر خدا □ و حق امیر مؤمنان، فاطمه و حسن □ را ادا کند، باید حسین □ را در روز عاشورا زیارت کند.

وفي اليوم السابع عشر منه انصرف أصحاب الفيل عن مكة وقد نزل عليهم العذاب^١.

وفي اليوم الخامس والعشرين منه سنة (٩٤) أربع وتسعين^٢ كانت وفاة [زين العابدين علي بن الحسين]^٣ عليهما السلام.

١. زاد في نسخة «ج»: «وفي ليلة إحدى وعشرين، سنة ثلاث من الهجرة، كان نقل فاطمة إلى أمير المؤمنين عليه السلام وزفافها إليه، ولما يومئذ سنة عشر سنة؛ وروي: تسع سنين».

أقوال: وهو قوله في كتابه «حدائق الرياض»؛ انظر: ما تقدّم في هامش اليوم الأول من ذي الحجة.

٢. قال الصّفّ قدّس سرّه في الإرشاد: ٢٥٤، وكتاب الأنساب من كتاب المقنعة: ٧٤ «توفى عليه السلام سنة خمس وتسعين، وله يومئذ سبع وخمسون سنة».

٣. في «ب» و«ج»: «أبي محمد علي بن الحسين زين العابدين».

و روز هفدهم، اصحاب فیل [= سپاهیان ابرهه] در حالی که عذاب بر ایشان فرود آمده بود، از مکه عقب‌نشینی کردند^۱. و روز بیست و پنجم سال نود و چهار هجری (٩٤ هـ)، وفات زین العابدین امام علی بن الحسین □ [در سن ٥٧ سالگی] واقع شد.

۱. یک نسخه افزوده‌ای چنین دارد: شب بیست و یکم محرّم سال سوم هجری، زفاف حضرت فاطمه علیها السلام و بردنش به خانه علی علیها السلام بود، و فاطمه علیها السلام در آن زمان شانزده و به روایتی ئه سال داشت.

صفر

أوّل يوم منه سنة (١٢١) إحدى وعشرين ومائة كان مقتل زيد بن علي بن الحسين □، وهو يوم يتجدد فيه أحزان آل محمد □.

وفي الثالث منه سنة (٦٤) أربع وستين من الهجرة أحرق مسلم بن عقبة ثياب الكعبة، ورمي حيطانها بالنيران فتصدعت، وكان عبد الله بن الزبير متھضناً بها، وابن عقبة يومئذ يحاربه من قبّل يزيد بن معاوية بن أبي سفيان.

وفي اليوم العشرين منه كان رجوع حرم سيدنا ومولانا أبي عبد الله □ من الشام إلى مدينة الرسول □، وهو اليوم الذي ورد فيه جابر بن عبد الله [بن حزام] الأنصاري - صاحب رسول الله ورثي الله تعالى عنه - من المدينة إلى كربلاء لزيارة قبر سيدنا أبي عبد الله □، فكان أوّل من زاره من الناس ٢.

وليلتين بقيتا منه سنة (١١) إحدى عشرة ٣ من الهجرة كانت وفاة سيدنا رسول الله □. وفي مثله سنة (٥٠) خمسين من الهجرة كانت وفاة سيدنا أبي محمد الحسن بن عليّ بن أبي طالب □.

١. ليس في «ب».

٢. في «ب» و«ج»: «أبي عبد الله الحسين».

٣. في «ب» و«ج»: «ال المسلمين». وزاد في «ج»: «ويُستحب زيارة عليه السلام».

٤. في «ج»: سنة عشر.

صفر

در نخستین روز صفر سال صد و بیست و یک هجری (۱۲۱ ه) کشته شدن زید، پسر امام سجاد □ اتفاق افتاد و آن روزی است که غم‌های خاندان محمد □ تجدید می‌شود.

و سوم صفر سال شصت و چهار هجری (۶۴ ه)، مسلم بن عقبه پوشش کعبه را سوزاند و [با منجنيق] آتش به دیوارهای آن پرتاب کرد تا فرو ریخت. آن زمان عبد الله بن زبیر در کعبه پناه گرفته بود و ابن عقبه هم از سوی یزید بن معاویه بن ابی سفیان با او می‌جنگید.

و روز بیستم، بازگشت خانواده سرور و مولایمان، ابا عبد الله الحسین از شام به مدینه است. همان روزی که صحابی پیامبر خدا □، جابر بن عبد الله انصاری - خدا از او راضی باد - برای زیارت قبر سرورمان ابا عبد الله از مدینه به کربلا آمد و نخستین زائر او از میان مردم شد.

و دو شب مانده از آن در سال یازدهم هجری (۱۱ ه)، سرورمان، پیامبر خدا □ و در همین شب در سال پنجاه هجری (۵۰ ه) سرورمان ابو محمد، حسن بن علی بن ایطالب □ وفات کرد.

شهر ربيع الأول

أول ليلة منه هاجر رسول الله صلى الله عليه وآله من مكة إلى المدينة سنة (١٣) ثلاث عشرة من مبعثه، وكانت ليلة الخميس.

وفيها كان مبيت أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام على فراش رسول الله صلى الله عليه وآله ومواساته له بنفسه، حتى نجا عليه السلام من عدوه، فحاز بذلك أمير المؤمنين عليه السلام شرف الدنيا والدين، وأنزل الله تعالى مدحه لذلك في القرآن المبين^١، وهي ليلة عظيمة الفخر لمؤلّي المؤمنين، [بما يوجب^٢] مسيرة أوليائه المخلصين.

وفي صبيحة هذه الليلة صار المشركون إلى باب الغار عند ارتفاع النهار لطلب النبي^ص، فستر الله تعالى عنهم، وفاقت أبو بكر بن أبي قحافة، وكان معه في الغار، بمصيرهم إلى بابه، وظنّ أنهم سيدرونون، فحزن لذلك وجزع، فسكنه النبي^ص، ورفق به، وقوى نفسه بما وعده من النجاة منهم، وتمام الهجرة له. وهذا اليوم يتجدد فيه سور الشيعة بنجاة رسول الله من أعدائه وما أظهره الله تعالى من آياته، وما أيدَه به من نصره، وهو يوم حُزن

١. إشارة إلى قوله تعالى في سورة البقرة: ٢٠٧: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْرِي نَفْسَهُ أَبْغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ).

٢. في «ب» و«ج»: «مولانا أمير».

٣. في «ب» و«ج»: «ويجب فيها».

ماه ربیع الاول

در نخستین شب ماه ربیع الاول، سیزده سال از بعثت گذشته پیامبر خدا[□] از مکه به مدینه هجرت کرد و آن شب پنجشنبه بود. و همان شب، امیر مؤمنان علی بن ابیطالب[□] بر بستر پیامبر خوابید و برای او فدایکاری و جانبازی کرد تا پیامبر[□] از دشمنش رهایی یافت و امیر مؤمنان[□] با این کار، شرف دین و دنیا را به دست آورد و خدای متعال آن را در قرآن مبین ستود.^۱ و آن شبی پر افتخار برای مولای مؤمنان و موجب شادی اولیای مخلص او است.

و صبح این روز هنگام بالا آمدن آفتاب، مشرکان در پی پیامبر[□] به دهانه غار رسیدند و خدای متعال او را از آنان پوشیده داشت و ابو بکر که در غار همراه پیامبر بود، از رسیدن آنان به دهانه غار مضطرب شد و گمان کرد که مشرکان به آن دو دست می‌یابند، از این رو اندوهگین شد و بی‌تابی کرد و پیامبر[□] او را آرام و با وی همراهی کرد و او را با وعده نجات یافتن از دست آنان و به پایان رسیدن هجرت، دلداری داد. و در این روز، شادی شیعه به خاطر نجات پیامبر خدا[□] از دست دشمنانش و نیز معجزاتی که خداوند متعال آشکار نمود و یاری‌هاش

۱. «و از میان مردم کسی است که جان خود را برای رضای خدا عرضه می‌کند»؛ بقره ۲۰۷.

وفی اللیلۃ الرابعة منه کان خروج النبی صلی اللہ علیہ وآلہ من الغار متوجھاً إلی المدینة، فأقام صلی اللہ علیہ وآلہ بالغار – وهو فی جبل عظیم خارج مکّة، غیر بعيد منها، اسمه: ثور – ثلاثة أيام وثلاث ليال، وسارَ منه فوَّاصَل المدینة يوم الاثنين [الثاني عشر من ریبع الأول عند زوال الشمس].^٣

وفی اليوم الرابع^٤ منه سنة (٢٦٠) ستین وما تین کانت وفاة سیدنا أبی محمد الحسن بن علی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام، ومصیر الخلقة إلی القائم بالحق علیه السلام.

وفی اليوم العاشر منه تزوج النبی صلی اللہ علیہ وآلہ بخدیجه بنت خویلد ام المؤمنین رضی اللہ عنہا لخمس وعشرين سنة من موْلده وکان لها يومئذ أربعون سنة.

وفی مثله لثمان سنین من موْلده کانت وفاة جدہ عبد المطلب رضی اللہ عنہ، وهی سنة ثمان من عام الفیل.

١. فی «ب» و «ج»: «فی وقت».

٢. فی «ب»: «ثاني عشر الشہر»، وفی «ج»: «ثاني عشر من شهر ریبع الأول عند زوال الشمس».

٣. کذا فی جمیع النسخ المعتمدة.

وفی الإرشاد: ٣٣٥، وكتاب الأنساب فی المقنعة: ٧٤، والتهذیب: ٩٢، أنه قبض علیه السلام يوم الجمعة لثمان لیالی خلون من شهر ریبع الأول.

٤. زاد فی «ب» و «ج»: «وله يومئذ ثمان وعشرون سنة».

الشيعة

در تأیید پیامبر، تجدید می شود، و آن روز غم ناصیبیان است به خاطر پیرویشان از ابو بکر در این موضوع و دوریشان از شادی در اوقات اندوه او.

و در شب چهارم ربیع الاول، بیرون آمدن پیامبر از غار به سوی مدینه بود و بدین ترتیب، پیامبر[□] سه شبانه روز در غار ماند، غاری که در کوه بزرگ «ثور» در بیرون مکه: اما نزدیک به آن است، سپس از آنجا حرکت کرد و روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول، هنگام ظهر به مدینه رسید.

و روز چهارم ربیع الاول سال دویست و شصت هجری (٢٦٠ هـ) سرو رمان ابو محمد، حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا [= امام حسن عسکری[□]] وفات کرد^۱ و خلافت به قیام کننده به حق، امام مهدی (عج) رسید.

و روز دهم، پیامبر[□] با خدیجه، فرزند خویلد، مادر مؤمنان – خدا از او راضی باد – ازدواج کرد. در آن زمان، پیامبر[□] بیست و پنج و خدیجه چهل سال داشت.

و در چنین روزی، هشت سال گذشته از عام الفیل^۲، پیامبر جدش عبدالمطلب را – خدا از او راضی باد – در سن هشت سالگی از دست داد.

۱. قول مشهورتر و از جمله مؤلف در کتاب‌های دیگر، هشتم ربیع الأول است. امام حسن عسکری عليه السلام در سن ۲۸ سالگی وفات یافت.

۲. عام الفیل، یعنی سال حمله سپاه پیل سوار ابرهه، حکمران مین به مکه؛ او قصد داشت کعبه را ویران کند، اما دچار عذاب الهی و هلاک شد. اعراب این سال را مبدأ تاریخ خود قرار دادند.

وفي اليوم الثاني عشر منه كان قُدوم النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَدِينَةِ مَعْرُواْل الشَّمْسِ.

وفي مثله من سنة (١٣٢) اثنتين وثلاثين ومائة من الهجرة كان [انقضاء دولة بنى مروان].^١

وفي اليوم الرابع عشر منه سنة أربع وستين من الهجرة [كان هلاك المُلْحِدِ الملعون يزيد بن معاوية بن أبي سفيان، ضاعف الله عليه العذاب الأليم، وكان سِنُّه يومئذ ثمان وثلاثين سنة ، وهو يوم يتجدد فيه سُرور المؤمنين].^٢

[وفي السابع عشر منه] مولد سَيِّدِنَا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَدِينَةِ طلوع الفجر من يوم الجمعة في عام الفيل، وهو يوم شريف، عظيم البركة، ولم يَزَل الصالحون من آل محمد عليهم السلام على قدِيم الأوقات يعطّمونه ويعِرِّفون حَقَّه، ويَرْعُون حرمته، ويَتَطَوَّون بصيامه.^٣

١. وهو قول الواقدي؛ كما في تاريخ الطبرى ٤٢٠ : ٧ .

٢. ما بين المقوفين ساقط من نسخة « ج » .

٣. وبه قال الطبرى في تاريخه ٤٩٩ : ٥ .

٤. وفي بعض النسخ: وفي هذا اليوم وهو الرابع عشر من ربيع الأول سنة سبع وأربعينه احترق مشهد مولانا الحسين عليه السلام.

٥. في « ب » و « ج » « وفي اليوم السابع عشر منه كان » .

و روزدوازدهم ربيع الاول، رسیدن پیامبر ﷺ به مدینه، هنگام ظهر است.

و در همین روز از سال صد و سی و دو هجری (۱۳۲ هـ)، دولت مروانیان [طایفه دوم امویان] منقرض شد. و در روز چهاردهم ربيع الاول سال شصت و چهار هجری (۶۴ هـ) ملحد ملعون، یزید به معاویه بن ابی سفیان - خداوند بر عذاب در دناکش بیفزاید - هلاک شد و سنتش در آن روزگار سی و هشت سال بود و آن روزی است که شادی مؤمنان تجدید می‌شود.^۱

و هفدهم ربيع الأول عام الفیل، تولد سرورمان، پیامبر خدا ﷺ در سیده دم روز جمعه و روزی شریف و پر برکت است و همواره صالحان خاندان محمد ﷺ از دیر زمان، آن را بزرگ می‌دارند و حقش را به جای می‌آورند و حرمتش را پاس می‌نهند و روزه‌اش می‌دارند.

۱. در برخی نسخه‌ها، آتش‌سوزی مرقد امام حسین در سال ۴۰۷ هجری را در این روز دانسته است.

وروى عن أئمّة الهدى عليهم السلام أنّهم قالوا: مَن صام الْيَوْم السَّابِع عَشَر مِن شَهْر رَبِيع الْأَوَّل - وَهُوَ مَوْلَدُ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - كَتَبَ اللَّهُ سَبِّحَانَهُ لَهُ صِيَامٌ سَنَةً^١.

وَيُسْتَحَبٌ فِيهِ الصَّدَقَةُ [وَالإِلَمَامُ بِزِيَارَةِ الْمَشَاهِدِ^٢، وَالتَّطَوُّعُ بِالْخَيْرَاتِ وَإِدْخَالُ [الْمَسَرَّةِ عَلَى أَهْلِ الإِيمَانِ^٣].

١. قال الشيخ المصنف قدس سره في المقنعة: باب صيام الأربعة الأيام في السنة: « وقد ورد الخبر عن الصادقين عليهم السلام بفضل صيام أربعة أيام في السنة: فأول يوم فيها يوم السابع عشر من ربيع الأول، وهو اليوم الذي ولد فيه النبي صلى الله عليه وآله، فمن صامه كتب الله له صيام ستين سنة... » إلى آخر الحديث.

٢. في « ب » و « ج »: « زيارة المشاهد »، وفي بعض النسخ: « الاهتمام بزيارة المشاهد ».

٣. في « ب » و « ج »: « السرور على أهله ».

وفي بعض النسخ: وفي مثل هذا اليوم (وهو السابع من ربيع الأول) كان مولد سيدنا أبي عبد الله جعفر الصادق عليه السلام بالمدينة، يوم الاثنين سنة ثلاثة وثمانين من الهجرة، وهو يوم شريف، عظيم البركة.

الشيعة

و از پیشوایان هدایت □ روایت شده که آنان فرموده‌اند: هر کس روز هفدهم ربیع الاول، سالروز تولد سرورمان پیامبر خدا □ را روزه بدارد، خداوند سبحان روزه یک سال را برای او بنویسد.^۱

و صدقه دادن و زیارت مشاهد شریفه و کارهای خیر و شاد کردن دل مؤمنان در این روز مستحب است^۲.

۱. هفدهم ربیع الاول، یکی از چهار روزی است که فضیلت روزه آن فراوان است. حدیثی، ثواب آن را برابر روزه شصت سال دانسته است.

۲. در برخی نسخه‌ها، ولادت امام صادق □ را نیز در این روز دانسته است که به سال ۸۳ هجری در مدینه رخ داد و بر شرافت و برکت این روز افزود.

شهر ربيع الآخر

اليوم العاشر منه سنة (۲۳۲) اثنتين وثلاثين ومائتين من الهجرة كان مولد سيدنا أبي محمد الحسن بن على بن محمد بن على الرضا^[صلوات الله عليهما السلام] [صلوات الله عليهم أجمعين^۲]، وهو يوم شريف، عظيم البركة. وفى اليوم الثانى عشر منه، فى أول سنة من الهجرة، استقر^۱ فرض صلاة الحضر والسفر.

۱. روى أبو جعفر الطبرى في دلائل الإمامة: ۲۲۳ بسنده عن أبي محمد الحسن بن على العسكري عليهما السلام، قال: كان مولدي في ربيع الآخر سنة اثنتين وثلاثين ومائتين بالمدينة.

۲. في «ب»: «عليهم السلام».

ماه ربيع الآخر

روز دهم ربيع الآخر سال دویست و سی و دو هجری (٢٣٢ هـ)،
تولد سرورمان ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن الرضا
[= امام حسن عسکری] است، درودهای خدا بر همه ایشان باد، و
آن روزی شریف و پر برکت است.
و روزدوازدهم آن در نخستین سال هجرت، نماز حاضر و مسافر
واجب و معین شد.

شهر جُمادی الْأُولی

فِي النَّصْفِ مِنْهُ سَنَةً (٣٨) ثَمَانٌ وَثَلَاثَيْنَ مِنَ الْهِجْرَةِ كَانَ مُولَدُ سَيِّدِنَا أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَى بْنِ الْحَسِينِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ وَآبَائِهِ السَّلَامُ، وَهُوَ يَوْمُ شَرِيفٍ، وَيُسْتَحْبَطُ فِيهِ الصِّيَامُ، وَالظَّطْوَعُ بِالْخَيْرَاتِ.

وَفِي الْيَوْمِ الْعَشْرِينَ^٣ مِنْهُ سَنَةً سَتٌّ وَثَلَاثَيْنَ كَانَ فَتْحُ الْبَصَرَةِ، وَنَزْوُلُ النَّصْرِ مِنَ اللَّهِ الْكَرِيمِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

١. في «ب»: «في يوم».

٢. كما في جميع النسخ. وهو قوله أيضاً في الإرشاد: ٢٥٣، وهو قول ابن أبي الثاج البغدادي في تاريخ الأئمة: ٩، وبسيط ابن الجوزي في تذكرة الجنواص: ٢٩١، والطبرى في دلائل الإمامة: ٨٠، والطبرسى في ناج الموليد: ١١٢، وغيرهم.

وحكي الشيخ رضي الدين على بن يوسف بن المطهر الحلى في العدد القوية: ٩ / أ عن تاريخ الشيخ المفيد، والسيد ابن طاووس أيضاً في الإقبال: ٦٢١ عن المصنف رحمة الله في كتابه «حدائق الرياض وزهرة المرتاض» أنه قال: في النصف من جُمادی الْأُولی سَنَةً سَتٌّ وَثَلَاثَيْنَ مِنَ الْهِجْرَةِ، كَانَ مُولَدُ سَيِّدِنَا عَلَى بْنِ الْحَسِينِ... إِلَى آخِرِ مَا تَقدَّمَ.

٣. في «ب» و «ج»: «وفيه بعينه من هذه السنة».

وحكي الشيخ على بن يوسف المطهر الحلى في العدد القوية: ٨ / ب عن تاريخ المفيد: «فِي النَّصْفِ مِنْ جَمَادِي الْأُولِيِّ، وَقَالَ الطَّبَرِيُّ فِي تَارِيْخِهِ: ٥٣٤: «وَكَانَتِ الْوَقْعَةُ يَوْمُ الْخَمِيسِ لِعَشْرِ خَلْوَنَ مِنْ جَمَادِي الْآخِرَةِ سَنَةً سَتٌّ وَثَلَاثَيْنَ، فِي قَوْلِ الْوَاقِدِيِّ».

ماه جمادی الاولی

در نیمه جمادی الاولی سال سی و هشت هجری (۳۸ هـ)،
سرورمان ابو محمد، علی بن الحسین، امام زین العابدین متولد شد و
آن روزی شریف است و روزه داشتن آن و کارهای خیر کردن
مستحب است.

و در روز بیستم جمادی الاولی سال سی و شش هجری، شهر
بصره [در جنگ جمل] فتح شد و یاری خداوند کریم بر امیر
مؤمنان □ نازل شد.

۱. در برخی کتاب‌ها به نقل از شیخ مفید، تاریخ ولادت امام سجاد□ را سال ۳۶ هجری دانسته‌اند.

شهر جُمادى الآخرة

اليوم الثالث منه سنة (١١) إحدى عشرة من الهجرة كانت وفاة السيدة^١ فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله، وهو يوم يتجدد فيه أحزان [أهل الإيمان].^٢

وفي النصف منه سنة ستٌّ وسبعين من الهجرة كان مقتل عبد الله بن الزبير بن العوام، وله يومئذ ثالث وسبعون سنة.

وفي اليوم العشرين منه سنة (٢) اثنتين من المبعث كان مولد السيدة^٣ الزهراء فاطمة بنت رسول الله عليهما السلام، وهو يوم شريف يتجدد فيه سُرور المؤمنين، ويُستَحِبُّ فيه التطوع بالخيرات، والصدقة على المساكين.

في اليوم السابع والعشرين منه سنة (١٣) ثلث عشرة من الهجرة كانت وفاة أبي بكر عتيق بن أبي قحافة، وولادة عمر بن الخطاب مقامه بنصه.^٤

١. زاد في «ب» و «ج»: «الزهراء البتوء».

٢. في «ب» و «ج»: «المؤمنين».

٣. في «ب» و «ج»: «مولاتنا».

٤. ذكر ذلك ابن أبي الثلوج البغدادي في تاريخ الأئمة ومواليدهم: ٦.

وروي الطبرى في دلائل الإمامة: ١٠ و ٤٥ بسنده عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام، قال: ولدت فاطمة في جمادى الآخرة يوم العشرين منه - إلى أن قال - وقضت في جمادى الآخر يوم الثلاثاء، ثلاثة خلوات من ستة إحدى عشرة من الهجرة.

٥. في «ب» و «ج»: «إقامته مقامه بنصه عليه، ووصيته بالأمر إليه».

ماه جمادی الآخر

روز سوم ماه جمادی الآخر سال یازدهم هجری (۱۱ هـ) سرور زنان، فاطمه دختر پیامبر خدا وفات یافت و آن روزی است که غم‌های مؤمنان تجدید می‌شود.

و در نیمه این ماه در سال هفتاد و شش هجری، عبد الله بن زبیر ابن عوّام در سن هفتاد و سه سالگی کشته شد.

و روز بیستم جمادی الآخر سال دومبعثت، تولد سیده زهرا، فاطمه، دختر پیامبر خدا واقع شد، و آن روزی شریف است که شادی مؤمنان در آن تجدید می‌شود.

و نیکوکاری و صدقه دادن به بینوایان در این روز مستحب است. و در روز بیست و هفتم سال سیزدهم هجری (۱۳ هـ)، درگذشت ابو بکر، عتیق بن أبي قحافه و جانشینی عمر بن خطاب به تصریح و وصیّت ابو بکر واقع شد.

شهر رَجَب

هو آخر أَسْهُر الْحُرُم فِي السَّنَة عَلَى التَّرْتِيب الَّذِي قَدَّمْنَا، وَبَيِّنَّا أَنَّ أَوَّل شهورها شهر رمضان.

وهو شهر عظيم البركة، شريف، لم تزل الجاهلية تُعْظِّلْه قبل مجيء الإسلام، ثم تأكّد شرفه وعظمته في شريعة النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

وهو الشهر الأَصْمَم؛ وإنما سُمِّيَ بِذَلِك لِأَنَّ الْعَرَبَ لَم تَكُنْ تَقْبِيرٌ فِيهِ، وَلَا تَرِيَ الْحَرْبَ وَسَفْكَ الدَّمَاءِ، وَكَانَ لَا يُسْمَعُ فِيهِ حَرْكَةُ السَّلَاحِ، وَلَا صَهْيلُ الْخَيْلِ، وَلَا أَصْوَاتُ الرِّجَالِ فِي الْلَّقَاءِ وَالْاجْتِمَاعِ.

وَيُسْتَحَبُ صِيَامُه؛ فَقَدْ رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَصُومُه وَيَقُولُ: رَجَبٌ شَهْرٌ، وَشَعْبَانٌ شَهْرٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَشَهْرٌ رمضانٌ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^٢.

[أَوْلَى يَوْمٍ مِنْهُ كَانَ مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.]
رَوَى جَابِرُ الْجَعْفِيُّ، قَالَ: وُلِدَ الْبَاقِرُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الجمعة غُرَّةِ رَجَبِ سَنَةِ (٥٧) سِبْعَ وَخَمْسِينَ مِنَ الْهِجْرَةِ^٣.

١. فِي «ب» و «ج»: «تَغْزُو».

٢. حِكَاهُ الشِّيْخِ الطَّوْسِيِّ فِي مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ: ٧٣٤ وَرَوَى نَحْوُهُ الْمُؤْلِفُ فِي الْمَقْنَعَةِ: ص ٥٩.

٣. رَوَى ذَلِكَ أَبُو جَعْفَرُ الطَّبَرِيُّ فِي دَلَائِلِ الْإِمَامَةِ: ٩٠ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ إِذْ قَالَ: «وُلِدَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدًا الْبَاقِرَ بِالْمَدِينَةِ يَوْمَ الجمعة غُرَّةِ رَجَبِ سَنَةِ سِبْعَ وَخَمْسِينَ مِنَ الْهِجْرَةِ».

ماه رجب

این ماه، آخرین ماه حرام در هر سال بر اساس ترتیبی است که بیان
کردیم و نخستین ماه سال قمری را ماه رمضان دانستیم.
و آن ماهی پر برکت و شریف است و جاهلیت هم آن را پیش از آمدن
اسلام بزرگ می داشت و شرف و بزرگیش در آینین پیامبر تأکید شد.
و این ماه گنگ نامیده می شود زیرا عرب در آن ماه جنگ نمی کرد و
جنگ و خونریزی را در آن روا نمی دید و صدای شمشیرها و شیوه
اسپها و بانگ مردان در رویارویی و گردهم آیی به گوش نمی رسید.
و روزه اش مستحب و روایت است که امیر مؤمنان \square آن را روزه
می داشت و می گفت: رجب، ماه من و شعبان ماه پیامبر خدا \square و ماه
رمضان، ماه خدای عزّ و جلّ است.

نخستین روز آن، روز ولادت مولا و سرورمان ابو جعفر، محمد بن
علی، امام باقر \square است. جابر جعفی روایت کرده است: امام باقر \square ، ابو
جعفر محمد بن علی \square روز جمعه اول رجب سال پنجاه و هفت هجری
(۵۷ هـ) متولد شد.

ورُوی أنَّ مَن صام من أُولَئِكَ سبعة أيام متتابعات غُلقت عنه سبعة أبواب النار، فإنْ صام منه خمسة عشر يوماً أُغْطى سُؤلَهُ، فإنْ صام الشهرين كله أُعْتَقَ اللَّهُ الْكَرِيمَ رَبَّتِهِ من النار، وَقَضَى لَهُ حِوَاجَ الدِّينِيَا وَالْآخِرَةِ، وَكَتَبَ فِي الصِّدِّيقِيْنِ وَالشَّهِيْدِيْنِ، هَذَا إِذَا كَانَ الإِنْسَانُ مُؤْمِنًا مُجْتَبِيًّا لِلْكَبَائِرِ الْمُوْبِقَاتِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ: (إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ)۔^۲

وللْعُمْرَةِ فِيهِ فَضْلٌ كَبِيرٌ قَدْ جَاءَتْ بِهِ الْآثَارُ۔^۳

وَيُسْتَحْبِبُ فِيهِ زِيَارَةُ سَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْهُ؛ فَقَدْ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ زَارَ الْحَسِينَ بْنَ عَلَىٰ عَلِيهِمَا السَّلَامُ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتْهَةُ»۔^۴

وَمَنْ لَمْ يَتَمَكَّنْ مِنْ زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَلِيَزِرُ بَعْضَ مَشَاهِدِ السَّادَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنْ لَمْ يَتَمَكَّنْ مِنْ ذَلِكَ فَلِيُوْمِ إِلَيْهِمُ بِالسَّلَامِ، بِالسَّلَامِ، وَيَجْتَهِدُ فِي أَعْمَالِ الْبَرِّ وَالْخِيَرَاتِ.

۱. رَوَى الشِّيْخُ الصَّدُوقُ فِي مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْهُ: ۵۵ الْحَدِيْثُ، وَثَوَابُ الْأَعْمَالِ: ۷۷ بَابُ ثَوَابِ صُومِ رَجَبِ الْحَدِيْثِ الْأَوَّلِ، وَالشِّيْخُ الطَّوْسِيُّ فِي مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ: ۷۳۴ نَحْوُ مَا تَقدَّمَ.

۲. سُورَةُ الْمَائِدَةِ: ۲۷.

۳. قَالَ الشِّيْخُ الطَّوْسِيُّ فِي مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ: ۷۳۵ «وَرُوِيَ عَنْهُمْ أَنَّ الْعُمْرَةَ فِي رَجَبٍ تَلِيُّ الْحِجَّةِ».

۴. زَادَ فِي «بِ» وَ«جِ»: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ».

۵. كَامِلُ الْزِيَاراتِ: ۱۸۲، وَمَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ: ۷۳۷.

۶. فِي «بِ» وَ«جِ»: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِ».

۷. وَزَادَ فِي «بِ» وَ«جِ»: «الْأَئْمَةِ».

و روایت شده که هر کس هفت روز اول رجب را پشت سر هم روزه بگیرد، هفت در دوزخ بر او بسته شود و اگر هشت روزه بگیرد، هشت در بهشت بر او گشوده شود و اگر پانزده روز از آن را روزه بگیرد، در خواستش عطا شود و اگر همه ماه را روزه بگیرد خداوند کریم گردنش را از آتش برهاند و حاجت‌های دنیا و آخرت را روان کند و نام او را در جرگه صدیقان و شهیدان بنویسد، و اینها برای انسان با ایمانی است که از گناهان کبیره و مهلك دوری کند، همان گونه خداوند والا نام فرموده است: «خدا تنها از متقیان می‌پذیرد».

و همان گونه که روایات می‌گویند عمره آن فضیلت فراوانی دارد.

و زیارت سروorman ابا عبد الله الحسین در نخستین روز آن مستحب است و از امام صادق روایت شده است: هر کس امام حسین را در روز اول رجب زیارت کند خداوند بی تردید او را می‌آمرزد.

و هر کس امکان زیارت ابا عبد الله را در این روز ندارد، برخی مشاهد مشرفه دیگر سروران را زیارت کند و اگر این هم برایش امکان نداشت، با اشاره به آنها سلام دهد و در کارهای نیک و خیر کردن بکوشد.

وفي اليوم الثالث منه سنة (٢٥٤) أربع وخمسين ومائتين من الهجرة كانت وفاة سيدنا أبي الحسن على بن محمد^١ صاحب العسكر عليه السلام وله يومئذ أربعون^٢ سنة.

وفي يوم النصف منه لخمسة أشهر من الهجرة عقد رسول الله صلى الله عليه واله لأمير المؤمنين على^٣ عليه السلام على ابنته فاطمة^٤ عليها السلام عقدَة النكاح، وكان فيه الإشهاد له ولها: الإملاك، وسِنْها يومئذ إحدى عشرة سنة^٥ عليها التحية والرضوان.

ويُستحب^٦ في هذا اليوم الصيام، وزيارة المشاهد على أصحابها السلام، ويُدعى فيه بدعاء أُم داود، وهو موجود في كتب أصحابنا^٧ على شرح [لا يحتمله هذا المكان]^٨؛ لما قصدناه من الاختصار.

وفي هذا اليوم، سنة اثنتين من الهجرة، حولت القبلة من البيت المقدّس إلى الكعبة، وكان الناس في صلاة العصر، فتحوّلوا منها إلى البيت الحرام.^٩

١. في «ب» و «ج»: «محمد المادي».

٢. في «ب» و «ج»: «إحدى وأربعون».

أقول: وبه قال الشيخ الطوسي في مصباح المتهجد: ٧٤١

٣. في «ب» و «ج»: «على بن أبي طالب».

٤. في «ب» و «ج»: «فاطمة الزهراء البتول».

٥. زاد في «ب» و «ج»: «وفي رواية: ثلات عشرة سنة».

٦. انظر: إقبال الأعمال ٣: ٢٤١ - ٢٤٩، والمصباح - للكفعي - ٥٣٠

٧. في «ب» و «ج»: «لما لا يحمله هذا الكتاب».

٨. قال ابن كثير في السيرة النبوية ٢: ٣٧٢: «وبه قال قتادة وزيد بن أسلم، وهو رواية عن محمد بن إسحاق».

و روز سوم ربیع سال دویست و پنجم و چهار هجری (۲۵۴) هـ، وفات سرورمان ابوالحسن علی بن محمد، صاحب عسکر [= امام هادی] در سن چهل سالگی رخ داد.

و روز نیمه ربیع، پنج ماه از هجرت گذشته، پیامبر خدا در دخترش فاطمه را به عقد ازدواج امیر مؤمنان، علی در آورد و در آن روز خطبه عقد در حضور گواهان خوانده شد و سن فاطمه در آن زمان یازده سال بود، درود و رضوان خدا بر او باد.

و مستحب است این روز را روزه بدارند و مشاهد را - بر صاحبانشان درود - زیارت کنند و دعای ام داود را بخوانند و آن دعایی مفصل و در کتاب‌های عالمان شیعه موجود است و این رساله مختصر گنجایش آن را ندارد.

و در همین روز، سال دوم هجرت، قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر یافت و مردم در نماز عصر، از آن، به سوی بیت الحرام چرخیدند.

وفي اليوم الثاني والعشرين^١ منه ولد أمير المؤمنين [عليّ بن أبي طالب عليه أفضَّل الصلاة والسلام بمكَّة في البيت الحرام^٢] سنة ثلاثين من عام الفيل، [وهو يوم مَسَرَّة لأهل الإيمان^٣].

وفي اليوم الثاني والعشرين^٤ منه سنة (٦٠) ستَّين من الهجرة كان هلاك معاوية بن أبي سفيان، وسِنْه يومئذ ثمانٌ وسبعين سنة، وهو يوم مَسَرَّة للمؤمنين^٥، وحُزْن لأهل الكفر والطغيان.

وفي اليوم الخامس والعشرين منه سنة ثلاَث^٦ وثمانين ومائة من الهجرة^٧ كانت وفاة سيدنا أبي الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام قتيلاً في حبس السِّنْدِي بن شاهَك، وله^٨ عليه السلام يومئذ خمس وخمسون سنة، وهو يوم يتجلَّد فيه أحْزان آل محمد عليهم السلام.

١. كذا في أكثر النسخ.

أقول: المتفق عليه عند أهل السِّيَرِ أنه ولد في اليوم الثالث عشر.

٢. زاد في «ب» و«ج»: «وكان ميلاده في جوف الكعبة في بيت الله الحرام».

٣. ما بين المقوفين ليس في «ب» و«ج».

٤. في «ب» و«ج»: «الثاني عشر». وفيهما مقدم ذكر هذا اليوم علي يوم النصف؛ فلاحظ.

٥. في «ب» و«ج»: «لأهل الإيمان».

٦. في «ب» و«ج»: «ثمان».

٧. وبه قال ابن أبي الشاج في تاريخ الأئمَّة: ١١، والشيخ الصدوقي في عيون الأخبار ١: ١٠٤: الحديث.

وقال المصتف قدس سرَّه في كتاب الأنساب من المقنعة: ٧٣: «لست بَقِين من رجب».

٨. في «ب» و«ج»: «متولى الشرطة للرشيد، وسيه».

الشیعة

و روز بیست و دوم ربیع، سی سال پس از عام الفیل، امیر مؤمنان - برترین درودها و سلامها بر او باد - در مکه در بیت الحرام [و درون کعبه] به دنیا آمد^۱ و آن روز شادی مؤمنان است.

و در روز بیست و دوم^۲ سال شصت هجری، هلاک معاویه ابن ابی سفیان در سن هفتاد و هشت سالگی رخ داد و آن نیز روز شادی مؤمنان و غم کافران و طاغیان است.

و روز بیست و پنجم ربیع سال صد و هشتاد و سه هجری (۱۸۳ هـ) وفات سرورمان ابوالحسن امام موسی بن جعفر رخ داد. او را در سن پنجاه و پنج سالگی در زندان سندي بن شاهک به قتل رساندند و آن روز تجدید اندوه خاندان محمد[□] است.

۱. مشهور آن است که امام علی[□] روز سیزدهم ربیع به دنیا آمد.
۲. در برخی نسخه‌ها، هلاک معاویه را در روزدوازدهم ربیع نوشته است.

وفي اليوم السابع والعشرين منه كان مبعث النبي صلى الله عليه وآلـه، ومن
صامه كتب الله له صيام ستين سنة^١.

وروى عن الصادقين عليهم السلام أنهم قالوا: من صلى في اليوم السابع والعشرين من رجب اثنتي عشرة ركعة، يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وسورة يس، فإذا فرغ من هذه الصلاة قرأ في عقبيها فاتحة الكتاب ثلاث مرات والمعوذات الثلاث^٢ أربع مرات، وقال: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، أربع مرات، وقال: الله ربّي لا أشرك به شيئاً، أربع مرات، ثم دعا، استحب له في كل ما يدعوه به، إلا أن يدعوه بجائحة قوم مؤمنين، أو قطعة رحم^٣.

وهو يوم شريف، عظيم البركة، ويُستحب فيه الصدقة، والتطوع بالخيرات، وإدخال السرور على أهل الإيمان.

١. روى الشيخ الكليني في الكافي ٤: ١٤٨ الحديث ١ - ٢، والشيخ الصدوق في الفقيه ٢: ٥٤ وفضائل الأشهر الثلاثة: ٢٠ الحديث ٦، والشيخ الطوسي في التهذيب ٤: ٣٠٤ الحديث ٩١٩؛ بأسانيدهم عن

الصادق والكاظم والرضا عليهم السلام: أن ثوابه يغدو ستين شهراً.

٢. أي: سورة الفلق والثاس، وسورة التوحيد أو الكافرون؛ كما في هامش الكافي.

٣. رواه الشيخ الكليني في الكافي ٣: ٤٦٩ الحديث ٧ نحوه.

و روز بیست و هفتم ربیع، مبعث پیامبر[□] است، و هر کس آن را روزه بدارد، خداوند شصت سال^۱ روزه برایش بنویسد.

و از امامان[□] روایت شده است: هر کس در روز بیست و هفتم ربیع، دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت، سوره حمد و پیس را بخواند و پس از نماز، سه مرتبه سوره حمد و چهار مرتبه معوذات [= سوره ناس، فلق، و توحید یا کافرون] را بخواند و چهار مرتبه تسبيحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبير؛ خداوند پاک و منزه است و ستایش و بیشه اوست و خدایی جز خداوند یگانه نیست و او بزرگتر است» و نیز چهار مرتبه «الله ریيلاً أُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا؛ خداوند، صاحب من است و چیزی را شریک او نمی‌کنم» را بگوید و سپس دعا کند، هر چه در دعایش بخواهد، مستجاب می‌شود، مگر آن که هلاکت گروهی مؤمن را بخواهد و یا قطع رحمی را درخواست کند.

و آن روزی شریف و پر برکت است و صدقه دادن در آن و کارهای خیر و شاد کردن مؤمنان مستحب است.

۱. در روایات متعددی این ثواب را برابر شصت ماه دانسته‌اند.

شهر شعبان

هو شهر [شريف، عظيم البركات^۱، وصيامه سُنة من سُنن النبيّ صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلهِ وَسَلَّمَ].

وفي اليوم الثاني منه سنة اشتتين من الهجرة نَزَلَ فَرِضٌ صيام شهر رمضان^۲.

وفي اليوم الثالث منه [موْلَدُ الحسين عليه السلام]^۳.

وفي ليلة النصف منه سنة أربع وخمسين ومائتين من الهجرة كان مولُدُ سَيِّدِنَا^۴ صاحب الزمان صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين. ويُسْتَحَبُّ في هذه الليلة الغسل، وإحياءها بالصلاحة والدعاء^۵.

وفي هذه الليلة تكون زيارة سيدنا أبي عبد الله الحسين بن عليّ عليه السلام؛ فقد رُوِيَ عن الصادقين عليهم السلام أنَّهم قالوا: إذا كان ليلة

۱. في «ب»: «عظيم البركة».

۲. كما في نسخة «ج»، أما في نسخة الأصل، مع تأخير اليوم الثاني بعد اليوم الثالث، ونسخة «ب» خالية منه.

۳. في «ب»: «ولد أبو عبد الله الحسين بن عليّ عليهم السلام، وهو يوم الخميس، وصيامه فيه ثواب عظيم».

وذكر المصنف رحمه الله في إرشاده: ۱۹۸: «ولد عليه السلام لخمس ليالٍ خلَوْنَ من شعبان». وفي الأنساب من المقنعة: ۷۲: «أئمَّه عليه السلام ولد في آخر ربيع الأول».

۴. في «ب» و «ج»: «مولَدُ سَيِّدِنَا أبي القاسم محمد بن الحسن».

۵. ليس في «ب».

ماه شعبان

ماه شعبان، ماهی شریف و پر برکت و روزه‌اش، سنتی از سنت‌های پیامبر ﷺ است. و روز دوم شعبان سال دوم هجری (۲ هـ) وجوب روزه ماه رمضان نازل شد.

روز سوم آن، ولادت امام حسین ﷺ واقع شد.^۱ و در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و چهار (۲۵۴ هـ)، سرورمان، صاحب الزمان – درودهای خدا بر او و بر پدران پاکش باد – به دنیا آمد.

و غسل کردن و زنده داشتن این شب به نماز و دعا مستحب است. و در این شب، زیارت سرورمان ابا عبد الله الحسین ﷺ سفارش و روایت شده است که امامان ﷺ فرموده‌اند: چون نیمه شعبان شود، فریاد کننده‌ای از افق اعلی فریاد می‌زنند:

۱. تولد امام حسین ﷺ را در پنجم شعبان و آخر ربيع الأول نیز دانسته‌اند.
۲. در نسخه‌ای از این کتاب پاداش روزه‌داری روز سوم را بزرگ دانسته است.

النصف من شعبان نادى مُنادٍ من الأُفق الأعلى: زائرى قبر الحسين بن على!
ارجعوا مغفورا لكم، ثوابكم على ربّكم، و محمد نبيّكم^١.

ومن لم يستطع زيارة الحسين بن على عليهما السلام في هذه الليلة فليزور
غيره من الأئمّة عليهم السلام، فإن لم يتمكّن من ذلك أومأ إليهم بالسلام،
وأحياناً بالصلوة والدعاة.

وقد روى أنّ أمير المؤمنين عليه السلام كان لا ينام في السنة ثلاثة ليال: ليلة
ثلاث وعشرين من شهر رمضان؛ ويقول: «إنّها الليلة التي ترجى أن تكون ليلة
القدر»، وليلة الفطر؛ ويقول: «في هذه الليلة يعطى الأجير أجره»، وليلة النصف
من شعبان؛ ويقول: «في هذه الليلة يُفرّق كلّ أمر حكيم»، وهي ليلة يعظّمها
المسلمون جميعاً وأهل الكتاب^٢.

وقد روى عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام أنّه قال: «إذا كان ليلة
النصف من شعبان أذن الله تعالى للملائكة بالنزول من السماء إلى الأرض،
وفتح فيها أبواب الجنان، وأجيب فيها الدعاء، فليصلّ العبد فيها أربع ركعات يقرأ
في كل ركعة فاتحة الكتاب مرّة وسورة الإخلاص مائة مرّة.
إذا فرغ منها بسط يديه للدعاء، وقال في دعائه:
«اللهم إني إليك فقير، وبك عائد، ومنك خائف، وبك مستجير،

١. رواه ابن قولويه في كامل الزيارات: ١٧٩ باب ٧٢ الحديث ١ و ٣.

٢. روى الشيخ الطوسي في مصباح المتهجد: ٧٨٣ بسنده عن أبي الحسن الرضا عليه السلام، قال: «كان
أمير المؤمنين لا ينام ثلاثة ليال: ليلة ثلاث وعشرين من شهر رمضان، وليلة الفطر، وليلة النصف من
شعبان، وفيها تُقسَم الأرزاق والآجال وما يكون في السنة».

زائران قبر حسین بن علی، باز گردید که آمرزیده شده‌اید، پاداشتان به عهده خدا و محمد، پیامبر تان است.

و هر کس نتوانست حسین بن علی □ را در این شب زیارت کند، دیگر امامان □ را زیارت کند و اگر این هم برایش امکان نداشت، با اشاره به آنها سلام دهد و آن را به نماز و دعا زنده بدارد.

و روایت شده که امیر مؤمنان □ سه شب را در سال نمی‌خوابید، شب بیست و سوم رمضان، و می‌فرمود: «آن شبی است که امید می‌رود شب قدر باشد» و شب عید فطر، و می‌فرمود: «در این شب، مزد کارگر را می‌دهند» و نیز شب نیمه شعبان، و می‌فرمود: «در این شب هر امر حکیمانه‌ای جدا می‌شود»، و آن شبی است که همه مسلمانان و اهل کتاب آن را بزرگ می‌دارند.

و روایت شده که امام جعفر صادق □ فرموده: چون شب نیمه شعبان دررسد، خدای متعال اجازه فرود آمدن از آسمان به زمین را به فرشتگان می‌دهد و در آن شب، درهای بهشت گشوده و دعا مستجاب می‌شود، پس انسان با ایمان چهار رکعت نماز در آن شب بخواند و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره اخلاص را بخواند.

و هنگامی که از آن فارغ شود دستانش را به دعا بگشاید و در دعایش بگوید:

ربّ لا تُبدل اسمِي ولا تُغيّر جسمِي، وأَعوذ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ، وأَعوذ
بِرضاكَ مِنْ سَخْطِكَ، وأَعوذ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، إِنَّكَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى
نَفْسِكَ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَعَلَ بِي
كَذَا وَكَذَا ». ^١

وَسِيَّالُ حَوَائِجِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَوَادُ كَرِيمٍ ^٢.

وَرُؤُى أَنَّ مَنْ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةِ لِلَّيْلَةِ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غَفَرَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ^٣
ذُنُوبِهِ، وَقَضَى حَوَائِجِهِ، وَأَعْطَاهُ سُؤْلَهُ ^٤.

١. روى الشيخ في المصدر السابق: ٧٦٢. بسنده عن أبي يحيى الصناعي، عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام، وقال: ورواه عنهمَا ثلاثون رجلاً ممن يُوثق به، قالا: إذا كان ليلة النصف من شعبان فصلٌ أربع ركعات. وذكر نحو ما تقدّم باختلاف يسير في شرح الدعاء.

أقول: وذكر المصنف الدعاء المذكور باختلاف يسير في المقنية: ٣٧؛ فلاحظ.

٢. في «ب» و «ج»: «تعالى له».

٣. زاد في «ب» و «ج»: «كَمَا مَنَهُ عَلَيْهِ عَبِادَهُ، وَمَنَا مَنَهُ عَلَيْهِمْ». في «ب»: قَتَّت كتابة التوارييخ الشرعية عن الأئمة المهديّة صلوات الله عليهم أجمعين في ١٦ شهر ربيع الثاني سنة ٩٦٨.

«خدایا من به تو نیازمندم و به تو پناهنده، از تو بیمناک و در امان تو هستم، خدایا نامم را تغییر مده و بدنم را دگرگون مکن و از کیفرت به عفو و از خشمت به رضایت و از عذابت به رحمت پناه می‌برم، تو همان گونه ای که خود ستوده‌ای، و بالاتر از آنچه گویندگان می‌گویند، بر محمد و خاندانش درود فرست و برایم چنین و چنان کن.»

و حاجت‌هایش را بخواهد که خدا، والا، بخشنده و بزرگوار است.

و روایت شده است که هر کس این نماز را در شب نیمه شعبان بخواند، خدای سبحان گناهانش را بیامزد و حاجت‌هایش را برآورده سازد و درخواستش را عطا کند.

شادی‌های شیعه ١٠٣

وأتفق الفراغ من تسوييد هذه الأوراق بعون الله وحسن توفيقه السادس عشر ربيع الأول سنة تسع وثمانين وثلاثمائة على يد العبد القدير إلى الله الغنى: محمد بن محمد بن النعمان، أصلح الله حاله.

كتبه المظفر بن علي بن منصور السالار أحسن الله عمله... شهر ربيع الثاني من سنة إحدى وتسعين وثلاثمائة، حامدا مصليا عليه ومستغفراً.

و نوشتن این چند برگ به یاری خدا و حسن توفیق او در شانزدهم ربیع الاول سال سیصد و هشتاد و نه (۳۸۹ هـ) به دست بنده نیازمند به خدای توانگر، محمد بن محمد بن نعمان، خدا حالش را به سامان بدارد، به پایان رسید.

این نوشته را مظفر بن علی بن منصور سالار، خدا عملش را نیکو کند، استنساخ کرد؛ ماه ربیع الثانی سال سیصد و نود و یک (۳۹۱ هـ) ستایشگرم و بر او درود فرستنده و آمرزش خواه.

